

را توشه
فصلنامه علمی- تخصصی ویژه مسلمانان
پاییزه ۱۴۰۰- شماره، ششم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی

صاحب امتیاز:	معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
مدیر مسئول:	سعید روستا آزاد
سر دبیر:	مصطفی آزادیان
دبیر اجرایی:	اکبر اسماعیل پور

نشریه «ره‌توشه» بر اساس پروانه انتشار به شماره ثبت ۸۶۲۴۴ تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۵ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان فصلنامه تخصصی منتشر می‌شود.

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

سید محمد اکبریان	عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی	مدرس حوزه علمیه قم
علی خادمی	مدرس حوزه علمیه قم
ناصر رفیعی محمدی	عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه
سعید روستا آزاد	عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
میرتقی قادری	مدرس حوزه علمیه قم
علی نظری منفرد	مدرس حوزه علمیه قم

ویراستار:	زهرا رضائیان
صفحه‌آرا:	اکبر اسماعیل پور
نمونه‌خوان:	نصرت‌الله نیکزاد
مسئول چاپ و نشر:	سید محمود کریمی

آدرس:	قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱
تلفن:	۰۲۵ - ۳۱۱۵۱۲۴۷
پایگاه اینترنتی:	http://rahtoosheh.dte.ir
پست الکترونیک:	tabligh@dti.ir
قیمت:	۱۵۰۰۰ تومان



امام خمینی (قدس سره):

«اگر یک روحانی پایش را کج بگذارد می گویند: «روحانین این طورند»، نمی گویند فلان آدم... اگر یک روحانی خدای نخواستہ، یک خطایی بکند، این طور الآن وضع شده است که می گویند روحانیون این جوری اند. مسئولیت، یک مسئولیت بزرگی است که یکی اگر پایش را غلط بگذارد این طور نیست که پای خودش حساب بشود، پای روحانیت اسلام حساب می شود، شکست روحانیت اسلام است. از این جهت هر خطایی که از ما و شما آقایان خدای نخواستہ، تحقق پیدا بکند... پای همه حساب می شود؛ حتی آن طلبه ای که در مدرسه دارد درس می خواند، آن هم وقتی که یک خطایی بکند پای خودش حساب نمی شود، پای دیگران هم حساب می کنند. مسئولیت بسیار بزرگ است.»

بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی، ۱۳۶۴/۲/۱۶

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

«ما در محیط اجتماعی و محیط زندگی چطور می توانیم دل مردم را به منشأ گفتار خودمان مطمئن کنیم و اعتماد آنها را برانگیزیم؛ درحالی که از مذمت شهوات دنیوی حرف می زنیم و در عمل خدای نکرده خودمان طور دیگری عمل می کنیم! از مذمت دل سپردن به پول و حرکت کردن و مجاهدت کردن در راه زیاده خواهی های دنیوی حرف می زنیم؛ اما عمل ما طور دیگری باشد! چطور چنین چیزی ممکن است اثر بکند؟! یا اثر اصلاً نمی کند، یا اثر زودگذر می کند، یا اثری می کند که بعد با کشف واقعیت کار ما، درست به ضد اثر تبدیل می شود. بنابراین، عمل بسیار مهم است.»

بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان، ۱۳۸۴/۱۱/۵

فهرست مطالب

- مسئولیت اجتماعی در سیره و گفتار رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ۵
محمدکاظم کریمی
- امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام و مرزبانی از دین ۱۷
مصطفی آزادبان
- شاخصه‌های استکبارستیزی از منظر امامین انقلاب ۲۹
علیرضا انصاری
- جلوه‌های پایداری آزادگان در دوران اسارت ۴۱
حمید ابراهیم زاده
- اوصاف منتظران ۵۱
محمود ملکی راد
- تحلیل موانع زکات از منظر قرآن و روایات ۶۳
محسن دانیاری

مسئولیت اجتماعی در سیره و گفتار رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

محمد کاظم کریمی*

مقدمه

از زمانی که انسان به امر پروردگار مسجود فرشتگان گردید، رسالت بزرگ خلیفه‌اللهی و دیگر مسئولیت‌های انسان بودن را پذیرا شد. از همین روست که امیرمؤمنان علی عَلِيٌّ فرموده است: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ؛^۱ از خدا بترسید درباره بندگان او و سرزمین‌هایش؛ زیرا شما حتی درباره آبادی‌ها و چارپایان باید پاسخگو باشید». رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که بار رسالت الهی و هدایتگری خلق به کمالات انسانی را به دوش می‌کشید، در توجه به مسائل، مشکلات و نیازهای جامعه انسانی پیشگام بود؛ چنانکه امام علی عَلِيٌّ فرموده است: «طَبِيبٌ دَوَّازٌ يَطْبِئُهُ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَأَحْمَىٰ مَوَاسِمَهُ؛^۲ او پزشکی است که با طب خویش پیوسته در گردش است، داروها و مرهم‌های خود را به خوبی آماده ساخته و ابزار داغ کردن را (برای سوزاندن زخم‌ها) گذاخته است». ^۳ آن حضرت در حالی که در برابر ستمگران شجاعانه به جهاد می‌ایستاد؛ در برابر حقوق مردم، همواره سر تواضع

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ خطبه ۱۶۷.

۲. همان، خطبه ۱۰۸.

۳. ابن ابی‌الحدید، شارح نهج البلاغه درباره «طیب دوار» می‌گوید: «پیامبر طیبی در گردش است، برای اینکه طیب در گردش دارای تجربه بیشتر است و منظور از در گردش بودن این است که به سراغ بیمار می‌رود؛ چرا که صالحان و خوبان دنبال بیماری‌های جان و دل می‌گردند و معالجه‌اش می‌کنند».

عبدالحمید بن هبة‌الله ابن ابی‌الحدید؛ شرح نهج البلاغه لابن ابی‌الحدید؛ ج ۷، ص ۱۸۴.

فرود می‌آورد. رنج و گرفتاری مردم را از خود می‌دانست و در شناخت به‌موقع و چاره‌جویی صحیح برای آنان می‌کوشید.

اهمیت زیست اجتماعی در اسلام

اسلام ضمن توجه به کمال فردی انسان، از کمال اجتماعی او نیز غفلت نکرده، تشکیل جامعه و امت را ضروری دانسته و تأسیس حکومت الهی و تعیین مرکز رهبری دینی را سرلوحه تعالیم خود قرار داده است. مرحوم صدرالمتألهین علیه السلام می‌گوید:

انسان‌ها برای رسیدن به کمال خلق شده‌اند و باید برای رسیدن به آن تلاش کنند و این کمال از طریق حضور در جامعه و اجتماع تحقق پیدا می‌کند. علاوه بر این، در وجود آن‌ها نیازهایی قرار داده شده است تا انگیزه کافی برای رسیدن به کمال را که از طریق اجتماعی شدن تحقق می‌یابد، داشته باشند و به سوی آن حرکت کنند و اجتماع، جایی است که افراد در رفع نیازمندی‌هایشان به همدیگر کمک می‌کنند.^۱

اسلام در بعد رفتاری نیز اعضای جامعه را به رفتار درست با همدیگر و تعامل مناسب دعوت و به انجام اعمال نیکی همچون نیکوکاری به یکدیگر، نیکی به پدر و مادر، ارتباط با خویشاوندان (صله رحم)، کمک به حل مشکل اعضای جامعه، برطرف ساختن غم و اندوه از افراد تشویق و تأکید کرده است که حاکی از توجه اسلام به جامعه و نیازهای اعضای آن است؛ چنانکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «الْمُؤْمِنُونَ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى؛^۲ مؤمنان در مهربانی و عاطفه‌ورزی همانند بدن هستند که اگر عضوی از آن دچار درد شود، دیگر اعضا با شب‌بیداری و تب با آن همدردی می‌کنند».

چنان خشکسالی شد اندر دمشق که یاران فراموش کردند عشق
چنان آسمان بر زمین شد بخیل که لب تر نکردند زرع و نخیل
بخشکد سرچشمه‌های قدیم نماند آب، جز آب چشم یتیم

۱. صدرالدین محمد شیرازی؛ المبدأ و المعاد؛ ص ۶۲۷.

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۶۱، ص ۱۵۰.

در این شرایط سختی که سعدی توصیف می‌کند، مرد توانگری بود که از مال دنیا چیزی کم نداشت و غم نان و آب نیز برایش مطرح نبود؛ اما بسیار غمگین و پریشان بود. وقتی سعدی از او می‌پرسد که تو چرا باید چنین غمگین باشی؟ برآشفته می‌گوید:

نبینی که سختی به غایت رسید مشقت به حد نهایت رسید
من از بینوایی نِیم روی زرد غم بینوایان رخم زرد کرد^۱

در شرایط کنونی جامعه به دلیل غلبه بیماری کرونا، میلیون‌ها نفر کارگر و کاسب خرده‌پا و افرادی که پس‌اندازی از گذشته نداشتند، زندگی را به سختی سپری می‌کنند. همگان و به‌ویژه حکومت باید به مشکلات این افراد رسیدگی کند. گرایش دین‌مدارانه و اقتدا به سنت نبوی ﷺ اقتضا می‌کند دینداران از غم و رنج هم‌وطنان و هم‌کیشان خود غافل نباشند و غم دیگران را غم خود بدانند. هر کس در حد توان از نیازمندان دستگیری کند و از همدردی و برخورد کریمانه با آنان غفلت نرزد.

زمینه‌های مسئولیت‌پذیری

ارزش و اعتبار جامعه انسانی به میزان مسئولیت‌پذیری همگانی و همیاری در تحقق خصال نیکوی انسانی و پیشگیری از ناراستی‌هاست. منطق نبوی ﷺ بر جلب مشارکت آحاد مردم و برانگیختن احساس مسئولیت همگانی برای تحقق جامعه ایمانی استوار گردیده است. مهم‌ترین زمینه‌های مسئولیت‌پذیری در جامعه بر محور سیره و سنت نبوی ﷺ عبارتند از:

۱. حق‌طلبی و توجه به تقوای فطری

یکی از زمینه‌های احساس مسئولیت اجتماعی، حق‌طلبی و حق‌پذیری است. حق‌طلبی انسان نشأت گرفته از صفات پسندیده‌ای است که در وجود او به ودیعت نهاده شده است و حاکی از گرایش او به سوی خوبی‌هاست: «وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا

۱. سایت گنجور؛ بوستان سعدی؛ باب اول در عدل و تدبیر و رأی، بخش ۱۳، حکایت هفتم در معنی رحمت با ناتوانان در حال توانایی، ص ۲۲۸.

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا؛^۱ سوگند به نفس و آن که نیکویش آفریده، سپس بدی‌ها و پرهیزگاری‌هایش را به او الهام کرده است. از نظر علامه طباطبایی رحمته‌الله تقوای مطرح در آیه، تقوای فطری است؛ نه تقوایی که بعد از انجام اعمال دینی به وجود می‌آید.^۲ قرآن در حکایت گروهی از انسان‌ها که حق را تشخیص می‌دهند، اما از آن پیروی نمی‌کنند، می‌فرماید: «فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ»^۳ و هنگامی که آیات روشنگر ما به سوی‌شان آمد، گفتند این سحری آشکار است. با آنکه در دل به آن یقین داشتند، ولی از روی ستم و برتری‌جویی انکارش کردند، پس بنگر که عاقبت تبهکاران چگونه بود.

بنابراین توجه به تقوا می‌تواند زمینه مسئولیت‌پذیری را در انسان ایجاد کند و توجه نکردن به آن، راه را برای رهایی انسان از تعهدات و پیروی از هوای نفسانی مهیا می‌کند؛ چنانکه پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است:

يَا مَعْاشِرَ قُرَاءِ الْقُرْآنِ، اتَّقُوا اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - فِيمَا حَمَلَكُم مِّنْ كِتَابِهِ، فَإِنِّي مَسْئُولٌ، وَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ، إِنِّي مَسْئُولٌ عَنْ تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ، وَأَمَّا أَنْتُمْ، فَتَسْأَلُونَ عَمَّا حَمَلْتُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّتِي؛^۴ ای جماعت قاریان قرآن! درباره کتاب خدا که به دوش شما گذاشته شده است، تقوای خدای عز و جل را رعایت کنید؛ زیرا هم من و هم شما بازخواست می‌شویم. من درباره تبلیغ رسالت، بازخواست می‌شوم و شما درباره کتاب خدا و سنت من که بر دوش گرفته‌اید، بازخواست می‌شوید.

منظور از تقوا در آموزه‌های دینی، نگهداری روح و جان از هر گونه آلودگی و متمرکز ساختن آن‌ها در اموری است که رضای خدا در آن است.^۵ بنابراین احساس مسئولیت و خودجوشی درونی و بی‌تفاوت نبودن به سرنوشت جامعه و عقاید مردم، از آثار تقوا یا مصداق آن است. در واقع تعهد و مسئولیت، مرز انسانیت است که او

۱. شمس: ۷ و ۸.

۲. سید محمدحسین طباطبایی؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۱، ص ۴۴.

۳. نمل: ۱۳-۱۴.

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۴، ص ۶۱۱.

۵. ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛ *تفسیر نمونه*؛ ج ۲۲، ص ۲۰۵.

را از زندگی حیوانی فاقد مسئولیت و پاسخگویی متمایز می‌کند؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «إِنَّ الْبَهَائِمَ هَمَّهَا بَطُونُهَا وَإِنَّ السَّبَاعَ هَمُّهَا الْعُدْوَانُ عَلَى غَيْرِهَا»^۱ چهارپایان در تلاش برای پر کردن شکم خویش و درندگان در پی تجاوز به دیگرانند».^۲
کار من و تو بدین درازی کوتاه کنم که نیست بازی^۲

۲. برقراری ارتباط مستقیم با مردم

یکی دیگر از زمینه‌های مهم مسئولیت‌پذیری، زندگی کردن با مردم و ارتباط رودررو با آنان است. وقتی افراد جامعه و کارگزاران حکومتی در میان مردم باشند، می‌توانند مشکلات آنان را از نزدیک حس کنند. رسول‌خدا صلی الله علیه و آله همواره به‌گونه‌ای میان اصحاب خود ظاهر می‌شد که گویی یکی از ایشان است تا جایی که وقتی فردی وارد مجلسی که رسول‌خدا صلی الله علیه و آله در آن حضور داشت، می‌شد؛ نمی‌دانست پیامبر صلی الله علیه و آله کدام یک از آنان است.^۳ یعقوبی می‌نویسد: «در صدر اسلام کارگزاران به هیچ وجه از مردم فاصله نمی‌گرفتند، ولی از زمان حکومت معاویه تشریفات فراهم شد و نخستین کسی که در اسلام نگهبان و پاسبان و دربان گماشت، معاویه بود».^۴

۳. ایجاد وحدت و همدردی با مردم

ایجاد روحیه الفت، برادری، تفاهم و همدلی میان مسلمان و پیشگیری از تفرقه، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های ایجاد مسئولیت‌های اجتماعی در سیره رسول‌خدا صلی الله علیه و آله است. قرآن کریم مؤمنان را برادر یکدیگر دانسته و آنان را به اتحاد و سازش با یکدیگر توصیه کرده است تا مورد رحمت قرار گیرند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۵ مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان آشتی دهید و از خدا پروا بدارید، امید که مورد رحمت قرار گیرید».

۱. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ خطبه ۱۵۳.

۲. سایت گنجور؛ لیلی و مجنون نظامی؛ بخش ۳، برهان قاطع در حدوث آفرینش.

۳. <https://ganjoor.net/nezami/5ganj/leyli-majnoon/sh> ۳

۴. ملامحسن فیض کاشانی؛ المحجّة البيضاء؛ ج ۴، ص ۱۵۲.

۵. احمد بن اسحاق یعقوبی؛ تاریخ یعقوبی؛ ترجمه محمد ابراهیم آیتی؛ ص ۱۶۵.

۵. حجرات: ۱۰

ابن عباس می‌گوید در پی نزول این آیه، رسول خدا ﷺ میان مسلمانان بر اساس منزلت‌شان پیوند برادری برقرار کرد؛ چنانکه ابوبکر را با عمر، عثمان را با عبدالرحمن برادر خواند و علی علیه السلام را برادر خویش قرار داد و اهمیت اتحاد و همبستگی را به طور عملی به جامعه اسلامی آموزش داد.^۱ آن حضرت تفرقه و جدایی از جماعت را از صفات مسلمانی نمی‌داند و مسلمانان را از آن برحذر داشته و فرموده است: «هر که یک وجب از جماعت دور شود، خداوند طوق مسلمانی از گردن وی بردارد».^۲ برای آن حضرت، جماعت مایه خیر و رحمت و تفرقه موجب عذاب است و کسانی را که آهنگ جماعت کنند بشارت داده و آنان را هم‌نشین خود در بهشت برشمرده است.^۳

۴. تعمیق روحیه جامعه‌پذیری

انسان به دلیل سرشت اجتماعی خویش، میل به حضور در اجتماع و جامعه‌پذیری دارد. بدون برقراری ارتباط با دیگر انسان‌ها، رفع نیازهای ضروری زیست اجتماعی میسر نیست. فرایند جامعه‌پذیری، واجد فرصت‌هایی برای کنشگران اجتماعی است تا از طریق آن به حفظ، انتقال و تعمیق ارزش‌ها، باورها و رفتارهای سیاسی و اجتماعی مطلوب جامعه همت گمارند. این فرایند بیش از همه از طریق نهادهای اجتماعی تحقق پیدا می‌کند و حکومت یا قدرت، از زمره این نهادهاست که نقش آن در جامعه‌پذیر کردن اعضای جامعه از دید متفکران و کارشناسان امور اجتماعی و سیاسی پنهان نیست. نهاد حکومت در همه جوامع بشری واجد کارکردهای پیدا و پنهان فراوانی است که نباید مورد غفلت قرار گیرد.

رسول خدا ﷺ تمامی آحاد جامعه را در برابر مقدرات جامعه مسئول دانسته و به انجام وظیفه خود برای ارتقای شاخص‌های اجتماعی ملزم ساخته است:

أَلَا كَلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، فَالْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وُلْدِهِ

۱. علی خراسانی و سید محمد دشتی؛ آیه‌های نامدار؛ ص ۲۹.

۲. مرتضی فرید تنکابنی؛ رهنمای انسانیت (ندای فطره) کلمات قصار حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله؛ ص ۱۷۴.

۳. همان.

و هِيَ مَسْؤُولَةٌ عَنْهُمْ؛^۱ بدانید که همه در مراقبت از یکدیگر مسئول هستید و همه شما درباره زیردستان‌تان بازخواست می‌شوید. حاکمی که بر مردم فرمان می‌راند، سرپرست است و درباره رعیتش بازخواست می‌شود. مرد، سرپرست خانواده خویش است و درباره آن‌ها باید پاسخگو باشد و زن، سرپرست خانه و فرزندان شوهر خود است و درباره آن‌ها باید پاسخ دهد.

بنابراین ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، بخشی از جریان تربیت عمومی ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که یادگیرندگان را قادر می‌کند تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. برنامه‌های رسمی و غیررسمی گوناگونی از سوی نظام سیاسی جامعه باید تدارک دیده شود تا به پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی برای اعضای جامعه کمک کنند و آنان را با این مسئولیت‌ها آشنا سازند. در سایه احساس مسئولیت در برابر جامعه است که رعایت حقوق دیگران معنا پیدا می‌کند و شومی ظلم و ستم آشکار می‌شود. روح آدمی با دیدن رنج و اندوه فقر و گرسنگی در چهره دیگران آزرده می‌شود و بی‌تفاوتی از وجودش رخت بر می‌بندد.^۲

۵. توجه به موااسات اجتماعی

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های مسئولیت اجتماعی، موااسات مؤمنان نسبت به یکدیگر است. موااسات در لغت به معنی مساعدت، دستگیری، غمخواری، برابر داشتن و کسی را در مال و جان چون خود شمردن است.^۳ ملامحسن فیض کاشانی، موااسات میان برادران ایمانی را به معنی یاری کردن یکدیگر به جان، مال و دیگر امور در تمام آن چیزهایی که نیازمند یاری یکدیگرند، دانسته است؛ چنانکه عرب می‌گوید: «أَسَيْتُهُ بِمَالِي مُوَاسَاةً»^۴ یعنی او را با خود در مال خویش برابر ساختم.

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالأنوار؛ ج ۷۲، ص ۳۸.

۲. ر.ک: عبدالله معتمدی؛ «سبک زندگی مطلوب بر اساس دیدگاه ارتباطی»؛ فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی؛ شماره ۱۳، ص ۱۳۳.

۳. علی اکبر دهخدا؛ لغت‌نامه؛ ذیل واژه موااسات.

۴. ملامحسن فیض کاشانی؛ الوافی؛ ج ۱، ص ۸.

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در هر فرصتی مسلمانان را به تکافل، مواسات و اهتمام بر یاری یکدیگر فرا خوانده و از غفلت درباره این امور برحذر داشته است؛ چنانکه نقل شده است آن حضرت چند روز پیش از رحلت، به بلال اشاره کرد تا مردم را فرا خواند و در آن جمع شروع به موعظه کرد و فرمود: «مَنْ مَنَعَ طَالِبًا حَاجَتَهُ وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى قَضَائِهَا فَعَلَيْهِ مِثْلُ خَطِيئَةِ عَشَّارٍ؛ هر کس نیازمندی را رد کند و با وجود توانایی نیاز او را بر نیاورد، پس بر او گناهی مانند گناه عَشَّار باشد». عوف بن مالک از آن حضرت پرسید: «گناه عَشَّار چقدر است؟». حضرت فرمود: «عَلَى الْعَشَّارِ كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ وَمَنْ يَلْعَنُهُ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا»^۱؛ بر عَشَّار در هر شبانه‌روز لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم باشد و هر کس را خداوند لعنت کند، یآوری برای او نخواهی یافت».

زمینه‌های مسئولیت‌گریزی

بروز برخی نابسامانی‌ها در جامعه، سبب رویگردانی اعضای جامعه از وظایف ذاتی و ناتوانی یا سر باز زدن از پذیرش مسئولیت اجتماعی خویش می‌شود. در این بخش به برخی از این عوامل اشاره می‌گردد:

۱. فقر اقتصادی

فقر اقتصادی، همواره یکی از اساسی‌ترین نگرانی‌های بشر در همه جوامع است که در صورت گرفتار شدن در دام آن، سلامت روان و ایمان آدمی را در معرض خطر قرار می‌دهد و گاه او را از رسیدن به سعادت و رستگاری که اقتضای فطرت اصلی اوست، باز می‌دارد. از این رو یکی از اموری که موجب سست شدن اعتقادات افراد و پشت پا زدن به مسئولیت اجتماعی می‌شود، فقر است؛ چنانکه رسول‌خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «إِنَّمَا يَخْشَى الْمُؤْمِنُ الْفَقْرَ مَخَافَةَ الْآفَاتِ عَلَى دِينِهِ»^۲؛ مؤمن از فقر به دلیل نگرانی از آسیب رساندن بر دین، خوفناک است». از این روست که آن حضرت از کفر و فقر مالی که با یکدیگر برابرند، به خدا پناه برده و فرموده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ

۱. محمد بن علی صدوق؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال؛ ص ۳۴۱ و ۳۴۲.

۲. محمود بن عمر زمخشری؛ ربیع الأبرار؛ ج ۴، ص ۱۴۲.

بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ؛^۱ خدایا از کفر و فقر به تو پناه می‌برم».

غوطه‌ور شدن جامعه در فقر و نداری اقتصادی، موجب پایمال شدن ارزش‌ها، درگیر شدن افراد به نیازهای شخصی و گریز از مسئولیت اجتماعی است؛ اگر چه وجود این سختی‌ها هیچ‌گاه مجوزی برای دست کشیدن از حق‌طلبی و عدول از راستی و درست‌ی نیست. آموزه‌های دینی در چنین مواردی بر صبر همراه با امیدواری و تلاش تأکید کرده، برای آن پاداش بسیاری ذکر نموده و به‌ویژه آن را از اخلاق پیامبران و اولیای دین دانسته است. خداوند در این باره به مؤمنان وعده گشایش بعد از سختی‌ها را داده و فرموده است: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^۲ یقیناً بعد از هر سختی، آسانی و گشایش است». بنابراین اهتمام به زدودن فقر و نداری از جامعه، نشانه احساس مسئولیت در برابر مردم و موجب افزایش ایمان، رفاه عمومی و زدودن بسیاری از تخلفات و جرایم است که نیاز به کوشش همگانی دارد.

۲. آسیب‌های اجتماعی

یکی از مسائل مهم اجتماعی که موجب انزوا و دوری‌گزینی از بار مسئولیت اجتماعی افراد می‌شود، وجود آسیب‌هایی مانند گسترش طلاق، فقر و بیکاری و گرایش به مصرف مواد مخدر و... است. این نوع آسیب‌ها نه تنها موجب آسیب فرد می‌شود؛ بلکه به درگیری بخش‌های گوناگون جامعه از جمله خانواده، دوستان، نهادهای اجتماعی و به‌ویژه حکومت می‌انجامد. از این رو در یک جامعه سالم، همگان باید به هنگام بروز مشکلات احساس مسئولیت کنند؛ زیرا اجتماع متعلق به همه است. حمایت از آسیب‌دیدگان اجتماعی و تدارک بسترهای مناسب برای مسئولیت‌پذیری آنان با هدف اصلاح امور جامعه، از وظایفی است که بر دوش همگان و به‌ویژه حاکمیت اسلامی نهاده شده است؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «وَأَيُّمَا يَتَّبِعِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمُصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ أَنْ يَزْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَالْمَعْصِيَةِ»^۳ آنان که گناه ندارند و به لطف خدا از آلودگی برکنارند، شایسته است که بر اهل گناه و معصیت رحمت آورند».

۱. محمد محمدی ری‌شهری؛ منتخب میزان الحکمه؛ ح ۴۴۸.

۲. شرح: ۶.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج‌البلاغه؛ خطبه ۱۴۰.

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن ابی الحدید؛ عبدالحمید بن هبة الله؛ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید؛ تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم؛ چاپ اول قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ چاپ اول قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۳. خراسانی، علی و سید محمد دشتی؛ آیه های نامدار؛ قم: نشر جمال ۱۳۸۶ ش.
۴. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
۵. زمخشری، محمد بن عمر؛ ربیع الابرار؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ ق.
۶. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ قم: دارالهجرة، ۱۳۹۵ ق.
۷. شیرازی، صدرالدین محمد؛ المبدأ و المعاد؛ چاپ اول بیروت: دارالهادی، ۱۴۲۰ ق.
۸. صدوق، محمد بن علی؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال؛ چاپ دوم، قم: دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ق.
۹. طباطبائی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۱۰. فرید تنکابنی، مرتضی؛ رهنمای انسانیت (ندای فطره) کلمات قصار حضرت رسول اکرم ﷺ؛ تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. فیض کاشانی، ملامحسن؛ محجة البیضا؛ چاپ چهارم قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۲. _____؛ الوافی؛ چاپ اول اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ چاپ اول قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ ق.
۱۴. مجلسی، محمدباقر؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ﷺ؛ تصحیح هاشم رسولی محلاتی؛ چاپ دوم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۴ ق.
۱۵. _____؛ بحار الأنوار؛ چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

۱۶. محمدی ری شهری، محمد؛ منتخب میزان الحکمه؛ ترجمه حمیدرضا شیخی؛ چاپ سوم، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۴ ش.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر؛ با همکاری دیگران؛ تفسیر نمونه؛ چاپ یازدهم، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲ ش.
۱۸. نوری، حسین بن محمدتقی؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ ق.
۱۹. یعقوبی، احمد بن اسحاق؛ تاریخ یعقوبی؛ ترجمه محمد ابراهیم آیتی؛ چاپ نهم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.

سایت‌ها و نشریات

۱. سایت گنجور؛ بوستان سعدی و لیلی و مجنون نظامی.
۲. معتمدی، عبدالله؛ «سبک زندگی مطلوب بر اساس دیدگاه ارتباطی»؛ فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی؛ دوره چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۲۵ - ۱۴۲.

امام صادق علیه السلام و مرزبانی از دین

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان*

مقدمه

ائمه اطهار علیهم السلام همواره در صدد تبیین و تبلیغ اسلام و پاسخ به شبهات و انحرافات بودند. شرایط و ویژگی‌های متفاوت دوران زندگی این بزرگواران اقتضا می‌کرد که هر یک از آنان برای رسیدن به اهداف خود، رویکرد و شیوه‌ای متفاوت و متناسب با زمان خود اتخاذ کنند. برای مثال امیرالمؤمنین علی علیه السلام با سکوت و سپس پذیرفتن زمامداری مسلمانان کوشید دین را حفظ کند و بر عظمت آن بیفزایند و امام حسن مجتبی علیه السلام با صلح و امام حسین علیه السلام با شهادت تلاش نمودند از دین اسلام مرزبانی نمایند. ششمین پیشوای شیعیان جهان، امام صادق علیه السلام نیز با توجه به شرایط زمان، به مرزبانی و پاسداری از اسلام پرداخت و این امر بیشتر در قالب «فعالیت علمی و جهاد فرهنگی» شکل گرفت. این نوشتار می‌کوشد به این پرسش اصلی پاسخ دهد که امام صادق علیه السلام در قالب چه رویکرد و روشی، به مرزبانی از دین اسلام پرداخت؟

ویژگی‌های عصر امام صادق علیه السلام

برای تبیین مرزبانی امام صادق علیه السلام از دین، باید با ویژگی‌های جامعه عصر امام صادق علیه السلام آشنا شویم؛ زیرا این امر در رویکرد امام علیه السلام نسبت به مرزبانی و نگهداری از دین نقش اساسی دارد. دوران زندگانی امام صادق علیه السلام دارای ویژگی‌های است که جهت رعایت اختصار به دو ویژگی اشاره می‌شود:

* دکتری ادیان و عرفان و پژوهشگر.

۱. درگیری بنی‌امیه و بنی‌عباس

عصر امام صادق علیه السلام از نظر سیاسی - اجتماعی، عصری منحصر به فرد بود. درگیری میان بنی‌امیه و بنی‌عباس، از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوران به شمار می‌آید. بنی‌امیه دچار ضعف و مشکلات فراوان سیاسی بودند و بنی‌عباس در پوشش شعارهای حمایت از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و گرفتن انتقام از بنی‌امیه، با آنان می‌جنگیدند. در چنین شرایطی بود که هر دو گروه در عمل نمی‌توانستند بر امام علیه السلام و شیعیان فشاری وارد کنند. این عامل فرصتی طلایی برای امام علیه السلام به وجود آورد تا به مرزبانان از دین و نشر معارف و حقایق اسلام بپردازد.

۲. دوران شور و شوق فکری و علمی

در عصر امام صادق علیه السلام، جنبش فکری و شور و شوق علمی بی‌سابقه‌ای در جامعه پدید آمده بود. علوم اسلامی مانند تفسیر، علم حدیث، علم فقه و علوم بشری مانند طب، فلسفه و ریاضیات مورد بحث و کاوش قرار می‌گرفت. این جنبش فکری، عوامل متعددی داشت که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تشویق اسلام به علم‌آموزی و تفکر و نیز مواجهه دانشمندان مسلمان با اهل کتاب و فلسفه یونان اشاره کرد.^۱ مواجهه با اندیشمندان سایر ادیان، موجب تضارت آرا و ایجاد شبهات و پرسش‌های فراوانی در سطح جامعه شد. امام صادق علیه السلام در چنین فضایی فعالیت‌های روشمندی را ارائه نمود که بسار موفق و تأثیرگذار بود.

روش‌های امام صادق علیه السلام در مرزبانی از دین

امام صادق علیه السلام برای تبیین اسلام ناب محمدی، تعمیق و گسترش آن و نیز پاسخ به پرسش‌ها و شبهات، روش‌ها و رویکردهای مختلفی داشت که می‌توان از آن‌ها به عنوان «فعالیت علمی و جهاد فرهنگی» یاد کرد. در اینجا به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. تأسیس حوزه علمیه و تربیت شاگردان

از آنجا که در زمان امام صادق علیه السلام شور و هیجان خاصی برای فهمیدن و تحقیق کردن

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱۸، ص ۸۰ و ۸۱.

در میان مسلمانان ایجاد شده بود، لازم بود شخصی همانند امام صادق علیه السلام این جبهه را رهبری کند و عرصه تعلیم و ارشاد خود را بگستراند و در قالب دهها هزار حدیث به بیان و حل معضلات علمی، مسائل عقیدتی، فقهی، سیاسی، احکام و اخلاق بپردازد.^۱ امام علیه السلام با توجه به فرصت به وجود آمده و با در نظر گرفتن نیاز شدید جامعه، حوزه علمی بزرگی را تأسیس کرد که امروز از آن به عنوان «دانشگاه بزرگ جعفری» یاد می‌شود. مرکز این حوزه علمی مدینه و محل تدریس امام علیه السلام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله بود. آن حضرت شاگردان مستعد خود را بر اساس علاقه و استعدادشان در رشته‌های مختلف علوم عقلی و نقلی، متخصص و صاحب‌نظر تربیت می‌کرد؛ شاگردانی همچون هشام بن حکم، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مؤمن طاق، مفضل بن عمر و جابر بن حیان. مورخان تعداد شاگردان حضرت را بالغ بر چهارهزار نفر نوشته‌اند.^۲ البته این چهار هزار نفر نه در یک زمان، بلکه به نوبت از محضر امام علیه السلام علم فرا گرفته و حدیث نقل کرده‌اند.

شاگردان امام صادق علیه السلام نه از یک گروه خاص، بلکه افرادی از نقاط مختلف و از قبایل گوناگون و حتی از اهل سنت نیز بودند؛ چنانکه ابوحنیفه، پیشوای اهل سنت به مدت دو سال در محضر امام علیه السلام شاگردی کرد. او در این باره می‌نویسد: «لَوْلَا سَنَّتَان لَهْلَكَ نُعْمَانٌ؛^۳ اگر آن دو سال نبود، نعمان (ابوحنیفه) هلاک می‌شد». وی درباره دانش امام صادق علیه السلام می‌نویسد: «مَا رَأَيْتُ أَفْقَهَ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ؛^۴ فقیه‌تر و داناتر از جعفر بن محمد ندیدم». مالک بن انس، یکی دیگر از پیشوایان اهل سنت که از محضر امام علیه السلام بهره برده است، می‌نویسد: «او از بزرگان و اکابر عبّاد و زهاد بود و از کسانی بود که دلش سرشار از خوف و خشیت الهی بود. او حدیث پیغمبر را زیاد می‌دانست. خوش محضر و مجلس‌اش پرفایده بود». وی همچنین می‌نویسد: «او دائماً در یکی از این سه حالت بود: یا در حالت روزه، یا در حالت نماز و یا در حالت ذکر». عده‌ای از رجال علمی عامه مانند سفیان ثوری، قاضی سکونی و قاضی ابوالبختری نیز از

۱. ر.ک: همان، ص ۴۷.

۲. مهدی پیشوایی؛ سیره پیشوایان؛ ص ۳۵۶ و ۳۵۷.

۳. اسد حیدر؛ الامام الصادق علیه السلام و المذاهب الاربعه؛ ج ۱، ص ۵۸.

۴. همان، ص ۱۶۶.

شاگردان حضرت بودند.^۱ محمد بن عبدالکریم شهرستانی، از علمای بزرگ اهل تسنن می‌گوید: «امام صادق علیه السلام دارای علم فراوان، حکمت کامل، زهد در دنیا و ورع از شهوات بود».^۲ بر این اساس تأسیس حوزه علمیه و تربیت شاگردان مکتب امام صادق علیه السلام به گونه‌ای در نشر، پویایی و بالندگی فقه شیعه و گسترش معارف اسلامی تأثیرگذار بود که اکنون «مذهب شیعه» به عنوان «مذهب جعفری» شناخته می‌شود و در حوزه‌های علمیه احادیث به جای مانده از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام که بیشترین حجم احادیث شیعه در ابعاد مختلف زندگی بشری است، تعلیم داده می‌شود. امام صادق علیه السلام با اتخاذ این روش‌ها توانست اسلام اصیل را برای همیشه مرزبانی نماید. استاد شهید مطهری رحمته الله علیه در این باره می‌نویسد:

هر کس امام صادق علیه السلام را می‌شناسد، آن حضرت را با حوزه و مدرسه‌ای عظیم و پرنفع و ثمر که آثارش هنوز باقی و زنده است، می‌شناسد. حوزه‌های علمیه امروز شیعه، امتداد حوزه آن روز حضرت است.^۳

۲. تشکیل مناظرات علمی

دوران زندگانی امام صادق علیه السلام، دوران برخورد اندیشه‌ها و پیدایش فرق و مذاهب مختلف بود. منکران دین و خدا با پوشش مباحث علمی، ایمان مردم را نشانه گرفته بودند؛ از این رو امام صادق علیه السلام با سران و پیروان سایر مذاهب مناظره‌هایی را انجام می‌داد. زنداقه و دهریین آن روزگار مانند ابن ابی‌العوجاء و ابوشاکر دیصانی، بزرگان معتزله همچون عمرو بن عبید و واصل بن عطا و نیز فقهای بزرگی مانند ابوحنیفه و متصوفه به حضور آن حضرت و شاگردانش می‌رسیدند و پرسش‌های خود را مطرح، و پاسخ‌های کاملی را دریافت می‌کردند.^۴ مناظره‌های گوناگونی از امام علیه السلام و شاگردانش نقل شده است که به یک نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود: هشام بن سالم می‌گوید:

۱. سید محمدحسین طباطبایی؛ شیعه‌شناسی؛ ص ۲۱۹.

۲. محمد بن عبدالکریم شهرستانی؛ الملل و النحل؛ ج ۱، ص ۱۹۴.

۳. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱۸، ص ۳۷.

۴. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۱۰، ص ۲۲.

روزی با گروهی از یاران امام علیه السلام در محضر آن حضرت نشسته بودیم که مردی شامی اجازه ورود خواست و پس از کسب اجازه وارد مجلس شد. امام علیه السلام فرمود: «چه می خواهی؟». مرد شامی گفت: «شنیده‌ام شما به تمام پرسش‌ها و مشکلات مردم پاسخ می‌گویید. آمده‌ام با شما بحث و مناظره کنم». امام علیه السلام فرمود: «در چه موضوعی؟». مرد شامی گفت: «درباره کیفیت قرائت قرآن». امام علیه السلام به حرمان فرمود: «جواب این شخص با توست». مرد شامی گفت: «من می‌خواهم با شما بحث کنم، نه با حرمان». امام علیه السلام فرمود: «اگر حرمان را محکوم کردی، مرا محکوم کرده‌ای». مرد شامی با حرمان وارد بحث شد. هر چه می‌پرسید، پاسخی قاطع می‌شنید تا اینکه بسیار ناراحت و خسته شد. امام علیه السلام فرمود: «حرمان را چگونه دیدی؟». مرد شامی گفت: «حرمان خیلی زبردست است. هر چه پرسیدم، به نحو شایسته‌ای پاسخ داد. اکنون می‌خواهم درباره لغت و ادبیات عرب با شما بحث کنم». امام علیه السلام به ابان تغلب فرمود: «با او مناظره کن». ابان نیز او را مجاب و محکوم کرد. مرد شامی گفت: «می‌خواهم درباره فقه با شما بحث کنم». امام علیه السلام به زراره فرمود: «با او مناظره کن». زراره نیز با او به بحث پرداخت و به سرعت او را به بن‌بست کشاند. مرد شامی گفت: «می‌خواهم درباره کلام با شما مناظره کنم». امام علیه السلام به مؤمن طاق دستور داد با او مناظره کند و طولی نکشید که مرد شامی از مؤمن طاق نیز شکست خورد. به همین ترتیب وقتی مرد شامی از امام علیه السلام درخواست کرد تا درباره قدرت و توانایی انسان بر انجام یا ترک خیر و شر، توحید و امامت با امام علیه السلام مناظره کند، آن حضرت به حمزه طیار، هشام بن سالم و هشام بن حکم دستور داد با وی به مناظره بپردازند و هر سه با دلایل قاطع و منطقی کوبنده، مرد شامی را محکوم کردند. امام علیه السلام با مشاهده این صحنه هیجان‌انگیز، خنده‌ای شیرین بر لبان مبارکش نقش بست.^۱

در واقع امام صادق علیه السلام از طریق مناظره ضمن دفاع از حریم دین، شاگردان توانمند خود را در مقام مرجعیت فقهی و علمی به مسلمانان و شیعیان معرفی کرد و از مردم انتظار داشت که در مسائل عقیدتی و دینی تنها به این گروه از عالمان برجسته و باتقوا مراجعه کنند. امام علیه السلام بزرگانی مانند زراره (ابوالحسن بن اعین) را در مقام

۱. محمد بن حسن طوسی؛ اختیار معرفة الرجال؛ ج ۲، ص ۵۵۴.

مرجع علمی و فقهی به مردم معرفی کرد؛ کسی که دهها اندیشمند، فقیه و محدث گرد او حلقه زده بودند. ابن ابی یعفور، یکی از اندیشمندان اسلام می‌نویسد: «من و معاصرین‌ام در کنار زراره همچون کودکانی بر گرد معلم بودیم»^۱. بر اساس همین رویکرد است که دانشمندان علوم دینی، مفسران، متکلمان و فقهای عظام تقلید در طول تاریخ تشیع تا کنون، با جهاد علمی و عملی خود معارف اصیل اسلامی را به جامعه مسلمانان عرضه داشته و آنان را از انحرافات و کج‌روی‌های فکری و عقیدتی حفظ کرده‌اند.

۳. اتخاذ سیاست تقیه

امام صادق علیه السلام در برخورد با حاکمان اموی و عباسی، استراتژی واحدی داشت. از منظر امام علیه السلام حاکم اسلامی باید عالم به احکام دین، عادل و باتقوا و از نظر علمی و معنوی، شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد تا بتواند احکام و معارف دینی را در جامعه تحقق بخشد؛ این در حالی است که هیچ یک از حاکمان اموی و عباسی دارای چنین شرایطی نبودند. از این رو امام صادق علیه السلام با توجه به اهمیت امامت و ولایت و نقش آن در نگهداری و برپایی دین، به آموزش یاران و شاگردان خویش پرداخت تا با این امر ضمن اثبات عدم لیاقت حاکمان عصر برای رهبری، از تحریف دین و باورهای دینی جلوگیری کند؛ چنانکه فرمود: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ؛ اسلام بر پنج اصل استوار است: نماز، روزه، زکات، حج و ولایت». زراره می‌گوید از حضرت پرسیدم کدام یک از این‌ها از همه مهم‌تر است؟ حضرت فرمود: «الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مُفْتَاخُهُنَّ وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَ»^۲؛ ولایت؛ زیرا ولایت کلید اصول دیگر است و والی است که مردم را به اصول دیگر هدایت می‌کند».

امام علیه السلام بر مبنای این راهبرد اساسی در مواجهه و واکنش با فضای موجود، تاکتیک و سیاست «تقیه» را برگزید تا از این طریق تشیع و نخبگان علمی و فرهنگی شیعه را از خطر نابودی و انقراض و یا انحراف حفظ کند. البته اتخاذ این رویکرد و سیاست به

۱. حمید احمدی؛ تاریخ امامان شیعه؛ ص ۱۹۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۸.

امام صادق علیه السلام اختصاص ندارد و «امامان شیعه علیهم السلام از عصر امام چهارم به بعد در بازسازی، هویت بخشی و استحکام پایه های معرفتی و حقوقی شیعه، نیازمند ایمن سازی شیعیان و حساس نکردن حکومت بودند»^۱ زیرا تقیه به معنای پنهان کردن عقاید یا رفتار و عمل دینی است تا دین و پیروان آن در شرایطی که خطر کشته یا دستگیر شدن و یا اذیت و آزار آنان وجود داشته باشد، از خطر دشمن حفظ شوند.^۲ در واقع «تقیه، مخفی نمودن حق از دیگران یا اظهار خلاف آن است؛ به جهت مصلحتی که مهم تر از مصلحت اظهار آن باشد».^۳ امام صادق علیه السلام بر ضرورت پنهان نگه داشتن برخی عقاید، علوم و رازهای باطنی دین که همان ولایت الهی است،^۴ تأکید داشت و به برخی از شیعیان توصیه می کرد از آشکار کردن عبادت شیعی نیز اجتناب کنند. اگر چه این مسائل جنبه عقیدتی داشت، اما نباید از ابعاد سیاسی آن غفلت کرد. اعتقاد به ولایت و امامت اهل بیت علیهم السلام، به معنای سلب مشروعیت از حاکمان وقت بود و این دیدگاه برای حکومت خطری جدی به شمار می آمد.^۵

۴. مبارزه با غلو و غالیان

غلو غالیان در عصر امام صادق علیه السلام، رشد چشم گیری پیدا کرد و ضمن زیر سؤال بردن جایگاه اهل بیت علیهم السلام، مردم را در تشخیص شیعیان واقعی از غیر آن دچار مشکل کرد؛ زیرا عقاید غلات با معارف اهل بیت علیهم السلام همسویی نداشت. رفتار آنان نیز با رفتار شیعیان واقعی، متضاد بود. از این رو امام صادق علیه السلام در کنار فعالیت های علمی دیگر، با غلات و غلوگرایی مبارزه نمود؛ زیرا هر گونه ارتباط و مراوده با غلات، اثرات سوء اعتقادی، اجتماعی و ... به دنبال داشت. از این رو برای حفظ شیعه اصیل و نهادینه کردن آن لازم بود امام صادق علیه السلام با آن ها مبارزه آشکاری را شروع، و افکار و نظریات باطل شان را از ساحت شیعه دور کند.^۶

۱. همان، ص ۲۰۲.

۲. محمد بن علی صدوق؛ *الاعتقادات*؛ ص ۱۱۰.

۳. نعمت الله صفری فروشانی؛ *نقش تقیه در استنباط*؛ ص ۵۱.

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ *اصول کافی*؛ ترجمه سید جواد مصطفوی؛ ج ۲، ص ۴۸۸.

۵. حمید احمدی؛ *تاریخ امامان شیعه*؛ ص ۲۰۳.

۶. ر.ک: رسول جعفریان؛ *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*؛ ص ۲۵۷.

غلو به معنای زیاده‌روی و از حد گذشتن است.^۱ قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ؛^۲ ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده‌روی) نکنید و درباره خدا، غیر از حق نگوئید». متأسفانه در تاریخ اسلام همانند یهودیت و مسیحیت، عده‌ای ظهور کردند که به غالیان و اهل غلو مشهور شدند. دیدگاه اهل غلو را می‌توان از نگاه نظری و عملی بدین صورت بیان کرد:

- غالیان از نگاه نظری، به الوهیت و یا نبوت ائمه علیهم‌السلام و از جمله امام صادق علیه‌السلام اعتقاد دارند. آن‌ها به تناسخ (انتقال ارواح از بدنی به بدن دیگر در این دنیا) و حلول (حلول و ورود روح خدا در بدن ائمه علیهم‌السلام) نیز معتقدند؛ اگر چه گروه‌هایی از غالیان مانند مَفُوضَه، به الوهیت و یا نبوت امامان علیهم‌السلام معتقد نیستند.^۳

- غالیان، از نظر عملی اهل اباحه هستند، خود را از شریعت بی‌نیاز می‌دانند و التزامی به انجام تکالیف دینی ندارند.^۴

اوج فعالیت‌های غالیان در زمان امام صادق علیه‌السلام بود. آن‌ها احادیثی را با مضامین کفرآمیز جعل می‌کردند. برای مثال از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کردند که معرفت امام علیه‌السلام از نماز و روزه کفایت می‌کند و یا امام علیه‌السلام، خدای آسمان و خدای زمین است.^۵ در مذمت اصحاب وفادار امام علیه‌السلام و نفی افکار آنان مانند زراره بن اعین، حدیث جعل می‌کردند؛ در حالی که امام علیه‌السلام زراره را از مصادیق «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» می‌دانست.^۶ از آنجا که غالیان زیر چتر دوستی اهل بیت علیهم‌السلام فعالیت می‌کردند، کارهایشان موجب ایجاد ذهنیت ناصواب در جامعه نسبت به آن حضرت و شیعیان می‌شد. از همین رو امام صادق علیه‌السلام با اعلام براءت و لعن غالیان،^۷ تبیین مقام امامت و لزوم ترک همنشینی با آن‌ها، به مبارزه با آنان پرداخت.

۱. محمد بن مكرم ابن منظور؛ *لسان العرب*؛ ج ۱۰، ذیل واژه.

۲. نساء: ۱۷۱.

۳. محمد بن حسن طوسی؛ *اختیار معرفة الرجال*؛ ص ۴۸۰، ۵۱۸ و ۵۵۵.

۴. همان، ص ۵۲۱.

۵. همان، ص ۳۲۵.

۶. همان، ص ۳۴۸.

۷. محمد بن عبدالکریم شهرستانی؛ *الملل و النحل*؛ ص ۱۴۴؛ محمد بن حسن طوسی؛ *اختیار معرفة*

الرجال؛ ص ۲۸۸، ۲۹۶ و ۴۱۰.

یکی از روش‌های تربیتی مؤثر، لزوم اجتناب از افراد منحرف است؛ کسانی که دوستی با آنان ممکن است تأثیر سوئی بر انسان داشته باشد؛ چنانکه در قرآن آمده است: «يَا وَيْلَتَا لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا»^۱ ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! او مرا از یادآوری (حق) گمراه ساخت، بعد از آنکه (یاد حق) به سراغ من آمده بود و شیطان همیشه خوارکننده انسان بوده است».

در این راستا امام صادق علیه السلام همواره شیعیان خود را از همنشینی با غالیان منع می‌کردند تا از عقاید باطل آنان متأثر نشوند و مردم نیز شیعیان را به جریان فاسد غالیان منتسب نکنند. همچنین بدین وسیله به عموم مردم اعلامی شود که غالیان مورد تأیید شیعیان نیستند. با این اقدام هوشمندانه امام علیه السلام شیعیان از جریان غلو جدا شدند و از خطر آن نجات یافتند. شیوه مبارزه امام صادق علیه السلام با غلو و غلات، گویای آن است که در شناخت اهل بیت علیهم السلام با پرهیز از هر گونه افراط و تفریط، باید اعتدال را رعایت کرد و ائمه علیهم السلام را نه از مقاماتی که دارند، بالاتر برد و به مقام خدایی رساند و نه مقاماتی را که در آیات و روایات برای آن‌ها بیان شده است، انکار کرد؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «هَلَكَ فِي رَجُلَانِ مُجِبِّ غَالٍ أَوْ مُبَغِضِّ قَالٍ»^۲ درباره من دو کس هلاک شدند: دوستی که از حد گذراند و دشمنی که از مقام فرو کشاند». آن حضرت به شیعیان سفارش می‌کرد که مواظب جوانان خویش باشند تا تحت تأثیر افکار و عقاید غلات قرار نگیرند: «جوانتان را از غلات دور نگاه دارید تا آنان را فاسد نکنند. غلات، بدترین خلق خدا هستند. از عظمت خدا می‌کاهند و بر بندگان او اثبات الوهیت می‌کنند»^۳.

۵. تأسیس سازمان وکالت

یکی از روش‌های امام صادق علیه السلام برای تبلیغ اسلام اصیل و رهبری شیعیان، ایجاد سازمان وکالت و گماردن افراد قابل اعتماد خود در میان شیعیان بود. سازمان وکالت

۱. فرقان: ۲۸ و ۲۹.

۲. حسین بن محمد شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ ص ۴۸۹.

۳. محمد بن حسن طوسی؛ الامالی؛ ص ۶۵۰: «اِحْذَرُوا عَلَيَّ سَبَابِكُمُ الْغُلَاةَ لَا يُفْسِدُونَهُمْ، فَإِنَّ الْغُلَاةَ شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ، يُضَعِّزُونَ عَظْمَةَ اللَّهِ، وَيَدْعُونَ الرُّبُوبِيَّةَ لِعِبَادِ اللَّهِ، وَاللَّهُ إِنَّ الْغُلَاةَ شَرٌّ مِنَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسِ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا».

با ایجاد شبکه ارتباطی گسترده و مردمی، به گونه‌ای پنهانی ارتباط شیعیان با امام علیه السلام را حفظ می‌کرد. امام علیه السلام در مناطق مختلفی مانند ری، قم، قزوین، آذربایجان، اهواز، خراسان، سبزوار، نیشابور و ... وکلایی داشتند. مسئولیت سازمان وکالت در حوزه‌های مالی، امنیتی، علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خدماتی بود. اخذ وجوه شرعی و هدایا از مردم و تقدیم آن‌ها به امام علیه السلام، یکی از رایج‌ترین فعالیت‌های کارگزاران سازمان بود.^۱ بر این اساس «سازمان وکالت» ضمن برقراری ارتباط شیعیان با امام علیه السلام و هسته مرکزی، به تبلیغ دین نیز می‌پرداختند.

۱. حمید احمدی؛ تاریخ امامان شیعه؛ ص ۲۰۵.

فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ تصحیح جمال‌الدین میردامادی؛ چاپ سوم، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صار، ۱۴۱۴ ق.
۲. احمدی، حمید؛ *تاریخ امامان شیعه*؛ چاپ نهم، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱ ش.
۳. پیشوایی، مهدی؛ *سیره پیشوایان*؛ چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۲ ش.
۴. جعفریان، رسول؛ *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*؛ قم: انصاریان، ۱۳۸۱ ش.
۵. حیدر، اسد؛ *الامام الصادق علیه السلام و المذاهب الاربعه*؛ چاپ دوم، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۳۹۰ ق.
۶. شریف الرضی، حسین بن محمد؛ *نهج البلاغه*؛ تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۷. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم؛ *الملل و النحل*؛ چاپ سوم، قم: الشریف الرضی، ۱۳۶۴ ش.
۸. صدوق، محمد بن علی؛ *الاعتقادات*؛ ارومیه: الصدر الرضوانی، ۱۳۸۰ ش.
۹. صفری فروشانی، نعمت الله؛ *نقش تقیه در استنباط*؛ چاپ اول، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین؛ *شیعه‌شناسی*؛ چاپ یازدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن؛ *اختیار معرفه الرجال*؛ تحقیق محمدتقی فاضل میبدی و سید ابوالفضل موسویان؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۱۲. _____؛ *الامالی*؛ چاپ اول، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *اصول کافی*؛ ترجمه سید جواد مصطفوی؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، [بی تا].
۱۴. _____؛ *الکافی*؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الانوار*؛ چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. مطهری، مرتضی؛ *مجموعه آثار*؛ قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۲ ش.

شاخصه‌های استکبارستیزی از منظر امامین انقلاب

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

مقدمه

استکبارستیزی یکی از محوری‌ترین مفاهیم در اندیشه و گفتمان امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای علیه السلام است. استکبارستیزی امام علیه السلام را می‌توان در اندیشه و روحیه ایشان جستجو نمود؛ چنانکه ایشان در طول عمر شریف خود این واقعیت را برای مردم ایران و جهان بیان کرد که دستیابی به استقلال، آزادی و عدالت، در گرو ایستادگی مردم محروم و مستضعف جهان است.^۱ رهبر معظم انقلاب علیه السلام نیز مبارزه با استکبار را دارای پشتوانه علمی و خردمندانه دانسته است: «مبارزه با استکبار در انقلاب اسلامی و در میان ملت ما، یک حرکت معقول و منطقی و دارای پشتوانه علمی و یک حرکت خردمندانه است؛ بر خلاف آنچه بعضی می‌خواهند وانمود بکنند که این یک حرکت شعاری است، احساساتی است، متکی به منطق و عقلانیت نیست؛ بعکس حرکت ملت ایران یک حرکت متکی به عقلانیت است...».^۲ در برابر استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا است؛ از این رو امام علیه السلام آمریکا را «شیطان بزرگ» و دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان خواند.^۳ شاید این سؤال مطرح شود که شاخصه‌های استکبارستیزی از منظر این دو امام بزرگوار چیست؟ امامین انقلاب چه

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. سید روح‌الله موسوی خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۱۳، ص ۲۱۲.

۲. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان؛ ۱۳۹۴/۰۸/۱۲.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31309>

۳. سید روح‌الله موسوی خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۱۳، ص ۲۱۲.

ویژگی‌های مهم و ممتازی را برای استکبارستیزی بیان کرده‌اند؟ اگر چه درباره علل مبارزه با استکبار و یا راه‌های مبارزه با آن سخن فراوان گفته شده است، اما در خصوص این پرسش کار مهمی صورت نگرفته است. این نوشتار در پی بیان ویژگی‌های ممتاز استکبارستیزی از منظر امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای داماد است.

مفهوم‌شناسی استکبار

واژه استکبار از ریشه «ک - ب - ر» به معنای برتری‌خواهی،^۱ امتناع از پذیرش حق از روی عناد و تکبر است.^۲ «استکبار از باب استفعال و از ماده (کبر) به معنای کسی است که اظهار بزرگی و تکبر کند، با آنکه اهلش نیست».^۳ این واژه با مشتقات آن، ۴۸ بار در قرآن آمده است. چهار مورد آن به استکبار ابلیس و بقیه به استکبار انسان اشاره دارد.^۴ بنابراین استکبار معنای عام دارد که عبارت است از حاکمیت ظلم و طغیان. البته امروزه قلّه طغیان و استکبار، آمریکاست؛ از این رو مبارزه با استکبار در مبارزه با آمریکا محوریت پیدا می‌کند.

شاخصه‌های استکبارستیزی

۱. الهی بودن

بر اساس نگرش عمیق و اندیشه دینی، استکبارستیزی تکلیفی الهی است که تخلف از آن جایز نیست. در آیات متعدد به این امر اشاره شده است: «وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُم فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُم النَّصْرُ»^۵ اگر گروهی (مؤمنان مهاجر) به خاطر حفظ دین و آیین‌شان از شما یاری طلب کنند، بر شما لازم است که به یاری آنان بشتابید». این آیه با صراحت مسلمانان را ملزم می‌کند به یاری برادران دینی خود که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، بپردازند. در آیه دیگری آمده است:

۱. حسن مصطفوی؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ ج ۱۰، ص ۱۸.

۲. محمد بن مکرّم ابن منظور؛ لسان العرب؛ ج ۵، ص ۱۲۶.

۳. سید علی اکبر قرشی؛ قاموس قرآن؛ ج ۶، ص ۷۴.

۴. مرکز فرهنگ و معارف قرآن؛ دایرةالمعارف قرآن؛ ج ۳، ص ۱۶۵.

۵. انفال: ۷۲؛ ر.ک: فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۴، ص ۸۶۲.

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا^۱ چرا در راه خدا و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یآوری برای ما تعیین فرما.

بنا بر این آیه شریفه، نخستین تقاضای همه مستضعفان گرفتار در چنگال دشمن برای نجات خویش، تقاضای ولی از جانب خدا بوده است و سپس از خداوند خواسته‌اند که برایشان، یآوری تعیین فرماید. از این رو مسئولیت مقابله با تهدید و ارباب در اسلام، وظیفه‌ای همگانی است که همه باید در برابر عوامل تهدید و ارباب بایستند و از مظلوم دفاع کنند و خصم ظالم باشند؛ چنانکه علی علیه السلام فرموده است: «وَكُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»^۲.

در منظومه فکری امام خمینی علیه السلام و رهبر معظم انقلاب علیه السلام، مبارزه با استکبار وظیفه الهی است؛ وظیفه‌ای که ما مکلف به انجام آن هستیم و نتیجه، فرع آن است.^۳ از همین روست که امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «تکلیف ما این است که در مقابل ظلم‌ها بایستیم، تکلیف ما این است که با ظلم‌ها مبارزه کنیم، معارضه کنیم، اگر توانستیم آن‌ها را به عقب برانیم که بهتر، و اگر نتوانستیم به تکلیف خودمان عمل کردیم...»^۴ «ما یقین داریم اگر دقیقاً به وظیفه‌مان که مبارزه با آمریکای جنایتکار است، ادامه دهیم؛ فرزندانمان شهید پیروزی را خواهند چشید»^۵. مقام معظم رهبری علیه السلام نیز فرموده است: «ما هر مقداری که بتوانیم از مظلوم حمایت می‌کنیم و هر مقداری که توانایی‌های ما و وسع ما باشد، وظیفه ماست»^۶.

۱. نسا: ۷؛ ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ ج ۴، ص ۱۰.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ ص ۴۲۱.

۳. سید روح الله موسوی خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۲۸۵.

۴. همان، ج ۱۲، ص ۳۰۵.

۵. همان، ج ۱۵، ص ۱۷۱.

۶. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی؛ ۱۳۹۴/۰۲/۲۶.

۲. تهاجمی بودن

یکی از شاخصه‌های استکبارستیزی، تهاجمی بودن است؛ یعنی برای مقابله با استکبار نباید منفعانه و دفاعی برخورد کرد؛ زیرا دشمن با برخورد منفعلانه جری‌تر می‌شود و به قدرت‌افزایی و سلطه‌طلبی خود ادامه می‌دهد. البته در این میان کسانی هستند که مدارا در برابر دشمن را «عقلانیت» و ایستادگی در برابر او را عملی «احساسی» می‌نامند؛ حال آنکه عقل می‌گوید که ایستادگی در برابر دشمن، تنها راه ایجاد مقابله با دشمن و دستیابی به پیشرفت و تأمین امنیت است. به عبارت دیگر حتی اگر حکومتی غیر اسلامی بخواهد با محاسبات عقلانی درباره نوع برخورد با دشمن تصمیم بگیرد، قطعاً راه «مقاومت» را بخواهد گزید تا به امنیت و پیشرفت برسد. رهبر انقلاب علیه‌السلام در این باره فرموده است:

آن کسانی که خیال کردند و خیال می‌کنند عقل اقتضا می‌کند که انسان گاهی در مقابل دشمن کوتاه بیاید، امام درست نقطه مقابل این تصور حرکت کرد. عقلانیت امام و آن خرد پخته قوام‌یافته این مرد الهی، او را به این نتیجه رساند که در مقابل دشمن، کمترین انعطاف و کمترین عقب‌نشینی و کمترین نرمش، به پیشروی دشمن می‌انجامد.^۱

بنابراین «عقلانیت» اقتضا می‌کند به دشمن فریبکاری که بارها فریبکاری خویش را ثابت کرده است، اعتماد نکنیم و فریب لبخندهایش را نخوریم. امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر نسبت به لبخند زدن دشمن به قصد فریب، چنین هشدار داده است: «فَإِنَّ الْعَدُوَّ رُبَّمَا قَارَبَ لِيَتَغَفَّلَ فَخُذْ بِالْحَزْمِ وَإِنَّهُمْ فِي ذَلِكَ حُسْنُ الظَّنِّ»^۲ گاهی دشمن نزدیک می‌شود تا غافلگیر کند، پس دوراندیش باش و خوش‌بینی خود را متهم کن.

تجربه چندین ساله جمهوری اسلامی نیز نشان داد که هر گاه ایران با دشمنان منفعلانه برخورد نمود، آنان جری‌تر و طلبکارانه برخورد نمودند و هر گاه قدرتمندانه و تهاجمی برخورد نمود، دشمنان عقب‌نشینی نمودند؛ زیرا مستکبر همانند حیوانی

۱. بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام؛ ۱۳۹۵/۰۳/۱۴.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33259>

۲. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج‌البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ ص ۴۴۲.

است که هر گاه به او حمله کنی، عقب می‌نشینی و هر گاه بگریزی، در پی تو می‌دود. افزون بر آن، ستمگران انسان‌های دلسوزی نیستند تا اگر ملتی را ناتوان مشاهده کنند، به او رحم کند و از سیاست خصمانه دست بردارند؛ بلکه آنان همچنان به ظلم خود ادامه می‌دهند. مقام معظم رهبری علیه السلام با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی در این باره فرموده است:

ملت ایران با تجربه چهل ساله خود، در مقاومت و ایستادگی پایدار است. ما این را امتحان کرده‌ایم. در مقابل دشمن، «عقب‌نشینی» مشوق دشمن است؛ در مقابل دشمن، «ایستادگی» موجب عقب‌رفت دشمن است. **لَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَذْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ حَلَّتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا؛**^۱ این سنت الهی است. اگر چنانچه در مقابل ظلم و استبداد و زورگویی و خباثت‌ها و جنایت‌های جنایتکاران عالم بایستید، قطعاً مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند؛ این قرآن کریم است که به‌عنوان یک سنت قطعی تاریخ و سنت الهی از این یاد می‌کند و این سنت ان‌شاءالله عملی خواهد شد.^۲

امام خمینی رحمته الله نیز روش تهاجمی علیه قدرت‌های مستکبر را به مستضعفان توصیه و یادآور شد که این امر ریشه در ادیان الهی دارد: «تمامی ادیان آسمانی از بین توده‌ها برخاسته است و با کمک مستضعفین، بر مستکبرین حمله برده است. مستضعفین در همه طول تاریخ به کمک انبیاء برخاسته‌اند و مستکبرین را به جای خود نشانده‌اند».^۳ ایشان همچنین فرمود: «ای مسلمانان جهان و ای مستضعفان عالم! دست به دست هم دهید و به خدای بزرگ رو آورید و به اسلام پناهنده شوید، و علیه مستکبران و متجاوزان به حقوق ملت‌ها پرخاش کنید».^۴

۳. دائمی و همیشگی بودن

از دیگر شاخصه‌های استکبارستیزی، استمرار و دائمی بودن مبارزه با استکبار است.

۱. فتح: ۲۲.

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی؛ ۱۳۹۷/۰۱/۲۵.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39394>

۳. سید روح‌الله موسوی خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۷، ص ۳۲۷.

۴. همان، ج ۱۰، ص ۳۳۹.

تا هر زمانی که استکبار و خوی استکباری وجود داشته باشد، مبارزه نیز وجود خواهد داشت. اگر چه ممکن است برخی تصور کنند که بعد از گذشت چندین سال از انقلاب، بهتر است از مبارزه با استکبار - به‌ویژه آمریکا - دست برداریم، اما طبق آموزه‌های قرآنی، مذاکره قواعد و اصول خود را دارد؛ برای مثال یکی از اصول این است که مذاکره با مخالفانی صورت پذیرد که اهل ظلم نباشند و یا از ماهیت ظالمانه خویش فاصله گرفته باشند؛ چنانکه در آیه ۴۶ سوره عنکبوت به آن تاکید شده است: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا...»؛ با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است، مجادله نکنید؛ مگر کسانی از آنان که ستم کردند...». علامه طباطبایی در تبیین این آیه می‌نویسد: «مراد از ستم، به قرینه سیاق این است که آن اهل کتاب که شما می‌خواهید با او مجادله کنید، معاند نباشد و نرمی و ملاطفت در سخن را حمل بر ذلت و خواری نکند؛ که در این صورت مجادله به طریق احسن نیز فایده‌ای به حال آنان ندارد»^۱.

خداوند مؤمنین را از دوستی و اعتماد به دشمنان نهی کرده و فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ...»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهودیان و مسیحیان را دوستان خود مگیرید؛ زیرا آنان با وجود اینکه با هم اختلاف دارند، در برابر شما با یکدیگر همدل هستند...». در آیه دیگری نیز فرموده است:

إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ^۳ تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد، ظالم و ستمگر است.

جمهوری اسلامی هیچ‌گاه در صدد سلطه‌جویی و قدرت‌گرایی نبوده و نیست؛ بلکه

۱. سید محمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۶، ص ۱۳۸.

۲. مانده: ۵۱.

۳. ممتحنه: ۹.

همواره پرچمدار تعامل عزتمندانه و قدرتمندانه با جهان است، اما تعاملی مبتنی بر آموزه‌های دینی، تأمین مصالح جامعه و حمایت از مظلومان. از این رو مبارزه با استکبار جهانی در نگاه ژرف امام خمینی علیه السلام، محصور به عصر و زمان خاصی نیست و این خط‌مشی ریشه در قرآن دارد: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ»؛^۱ زیرا این زیاده‌خواهی جزء هویت آن بوده است و تا دیگران را به بند نکشانند، دست از تجاوزطلبی نخواهند کشید. از این رو تا زمانی که روحیه استکباری وجود داشته باشد، تعامل عزتمندانه و نفی سلطه‌جویی^۲ محقق نمی‌شود. رهبر کبیر انقلاب اسلامی علیه السلام در مورد رابطه با آمریکا می‌فرماید: «این مثل رابطه بره با گرگ است! رابطه بره با گرگ، رابطه صلاح‌مندی برای بره نیست...».^۳ این جمله معروف امام علیه السلام حاکی از این است که ماهیت و خاصیت گرگ، درندگی است؛ از این رو تا از بین نرفتن مستکبران، محال است که صلح در جهان برقرار شود: «سلامت و صلح جهان، بسته به انقراض مستکبرین است و تا این سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند؛ مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آن‌ها عنایت فرموده است، نمی‌رسند».^۴ همچنین فرموده است: «من بارها گفته‌ام ... [تا] قطع تمام وابستگی‌ها به تمام ابرقدرت‌های شرق و غرب، مبارزات آشتی‌ناپذیرانه ملت ما علیه مستکبرین ادامه دارد».^۵ امام علیه السلام آن‌هایی را که به دنبال کنار آمدن با دشمنان خدا هستند؛ خائن معرفی می‌کند و فریاد بر می‌آورد: «کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی‌دانیم، ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! ... اگر بندبند استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای‌دار برند؛ اگر زنده زنده در شعله‌های آتش‌مان بسوزانند؛ اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند؛ هرگز امان‌نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم...».^۶

۱. بقره: ۱۹۳.

۲. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا».

۳. سید روح‌الله موسوی خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۱۰، ص ۳۶۰.

۴. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۴.

۵. همان، ص ۱۴۷.

۶. همان، ج ۲۱، ص ۹۸.

آمریکا بعد از ۴۲ سال هنوز به روحیه استکباری و کینه‌توزی خود ادامه می‌دهد؛ از این رو نمی‌توان به این کشور اعتماد کرد. هم‌چنانکه این کشور دانشمندان هسته‌ای و پرچمداران امنیت جهانی، شهید سلیمانی را به شهادت رساند و ایران را تحریم اقتصادی نمود و به هیچ یک از پیمان‌های بین‌المللی پایبند نیست. نمونه این امر، نقض پیمان هسته‌ای - موسوم به برجام - است که توسط این کشور نقض گردید: «... همه این را باید بدانند که این تحریم‌هایی که علیه ملت ایران به کار برده شده، عمدتاً ناشی از کینه‌ورزی استکباری آمریکاست؛ کینه آمریکایی مثل کینه شتری [است]...»^۱. رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام معتقد است: «استمرار دشمنی با جبهه حق، طبیعت مستکبران است؛ بنابراین نباید از ادامه دشمنی‌ها دچار تعجب شد»^۲.

البته نباید فراموش کرد که اگر آمریکا دست از روحیه سلطه‌طلبی و کینه‌توزی بردارد و عذرخواهی نماید، در این صورت جمهوری اسلامی می‌تواند تعامل مقتدرانه و عزتمندانه با این کشور داشته باشد؛ چنانکه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام فرموده است:

آن روزی که آمریکا دست از استکبار بردارد، آن روزی که از دخالت‌های بیجا در امور ملت‌ها دست بردارد، یک دولتی مثل بقیه دولت‌هاست، برای ما هم دولت مثل بقیه دولت‌ها خواهد بود؛ اما تا روزی که آمریکایی‌ها هنوز به طمع برگشتن به ایران ... باشند و بخواهند بر کشور ما مسلط بشوند، با هیچ وسیله‌ای نخواهند توانست ملت ما را به عقب‌نشینی وادار کنند...^۳.

ایشان همچنین فرموده است: «بعد از پیروزی انقلاب - الآن، سی سال است - هیچ روزی نبوده است که آمریکا نسبت به ملت ایران نیت خیری داشته باشد؛ از کارهای گذشته خودش عذرخواهی بکند؛ صادقانه دست از استکبار و طمع‌ورزی نسبت به

۱. تحریم، ناشی از کینه‌ورزی آمریکاست؛ ۱۳۹۲/۰۸/۲۹.

<https://farsi.khamenei.ir/video-content?id=28268>

۲. بیانات در دیدار دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین با رهبر انقلاب؛ ۱۳۹۵/۰۹/۲۴.

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=35130>

۳. منطق مواجهه جمهوری اسلامی با آمریکا از نظر رهبر انقلاب؛ ۱۳۹۸/۰۸/۱۲.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43885>

ملت ایران بردارد»^۱.

۴. فرا منطقه‌ای بودن

یکی دیگر از شاخصه‌های مهم استکبارستیزی، فرا منطقه‌ای بودن آن است؛ یعنی در هر نقطه‌ای از جهان که تقابل استضعاف و استکبار، ظالم و مظلوم وجود دارد، مبارزه با استکبار ضروری است. از این رو امام خمینی علیه السلام نسخه استکبارستیزی را منحصر به قلمرو جغرافیایی ایران نمی‌داند؛ بلکه آن را به عنوان نسخه‌ای شفاف‌بخش برای همه مستضعفان می‌داند.^۲ بر این اساس در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مبارزه ملت‌ها علیه ظلم مورد حمایت ایران قرار گرفته است.^۳ امروز حمایت جمهوری اسلامی از مردم فلسطین، لبنان و یمن ... مبتنی بر همین استراتژی است. امام علیه السلام مبتنی بر این نگاه اعلام می‌دارد: «... و [باید برای] حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است».^۴

استاد شهید مطهری علیه السلام می‌فرماید:

ما در جایی که هستیم، کسی به ما تجاوزی نکرده [است]؛ ولی یک عده از مردم دیگر که ممکن است مسلمان باشند و ممکن است مسلمان هم نباشند، تحت تجاوز قرار گرفته‌اند... آیا برای ما جایز است که به کمک این مظلوم‌های مسلمان بشتابیم برای نجات دادن آن‌ها؟ بله این هم جایز است؛ بلکه واجب است.^۵

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام به علت فرا منطقه‌ای بودن مبارزه با استکبار تأکید می‌نماید:

آنچه ما با آن مخالفیم، عبارت است از حاکمیت ظلم و طغیان و استکبار. «آمریکا» که می‌گوییم یعنی این؛ مخصوص آمریکا هم نیست. امروز البته قله طغیان و استکبار

۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان؛ ۱۳۸۷/۰۸/۰۸.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4122>

۲. سید روح‌الله موسوی خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۱۱، ص ۱۳۳.

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ اصل ۱۵۴.

۴. سید روح‌الله موسوی خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۹۱.

۵. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۰، ص ۲۳۲.

و طاغوت، آمریکاست ... ما با هیچ ملتی به عنوان ملت مخالفتی نداریم؛ با هیچ نژادی، با هیچ ملتی؛ ما با استکبار مخالفیم، با ظلم مخالفیم، با طغیان علیه ارزش‌های انسانی و الهی مخالفیم. امروز آمریکا مظهر این‌هاست؛ مظهر ظلم است، مظهر استکبار است.^۱

ایشان همچنین می‌فرماید: «یکی از مبانی اساسی و ارزش‌های اساسی نظام اسلامی، عبارت است از حمایت از محرومان. یکی دیگر حمایت از مظلومان است در هر نقطه عالم. این‌ها ارزش‌های اساسی انقلاب است؛ از این‌ها نمی‌شود صرف‌نظر کرد...»^۲.

سردار بزرگ اسلامی، شهید سلیمانی نیز در نامه‌ای به دخترش، فلسفه فرا منطقه‌ای مبارزه با استکبار را چنین ترسیم نموده است:

عزیزم از خدا خواستم همه شریان‌های وجودم را و همه مویرگ‌هایم را مملو از عشق به خودش کند. وجودم را لبریز از عشق خودش کند. این راه را انتخاب نکردم که آدم بکشم، تو می‌دانی من قادر به دیدن بریدن سر مرغی هم نیستم. من اگر سلاح به دست گرفته‌ام، برای ایستادن در مقابل آدمکشان است؛ نه برای آدم کشتن. خود را سرباز در خانه هر مسلمانی می‌بینم که در معرض خطر است و دوست دارم خداوند این قدرت را به من بدهد که بتوانم از تمام مظلومان عالم دفاع کنم. نه برای اسلام عزیز جان بدهم که جانم قابل آن را ندارد، نه برای شیعه مظلوم که ناقابل‌تر از آنم، نه نه... بلکه برای آن طفل وحشت‌زده بی‌پناهی که هیچ ملجایی برایش نیست، برای آن زن بچه به سینه چسبانده هراسان و برای آن آواره در حال فرار و تعقیب که خطی خون پشت سر خود بر جای گذاشته است، می‌جنگم.^۳

۱. بیانات در دیدار با مردم آذربایجان شرقی؛ ۱۳۹۸/۱۱/۲۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44955>

۲. بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)؛ ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33259>

۳. خبرگزاری صدا و سیما؛ «رونمایی از ترجمه نامه شهید سلیمانی به دخترش»؛ ۱۳۹۹/۱۲/۰۲.

<https://www.iribnews.ir/fa/news/3025079>

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ چاپ سوم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۲. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ *نهج البلاغة*؛ تصحیح: صبحی صالح؛ چاپ اول قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۳. طباطبایی، سید محمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۴. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ تصحیح: فضل الله یزدی طباطبایی؛ چاپ سوم، تهران: ناصر، ۱۳۷۲ش.
۵. قرشی، سید علی اکبر؛ *قاموس قرآن*؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۶. مرکز فرهنگ و معارف قرآن؛ *دایرةالمعارف قرآن کریم*؛ قم: بستان کتاب، ۱۳۸۲ش.
۷. مصطفوی، حسن؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.

سایتها

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر و حفظ نشر آثار آیت الله سید علی حسینی خامنه‌ای [«مَظَلَّة»](#).
۲. خبرگزاری صدا و سیما؛ «رونمایی از ترجمه نامه شهید سلیمانی به دخترش»؛ ۱۳۹۹/۱۲/۰۲، کد خبر: ۳۰۲۵۰۷۹.

جلوه‌های پایداری آزادگان در دوران اسارت

حجت‌الاسلام والمسلمین حمید ابراهیم‌زاده*

مقدمه

مقاومت در فرهنگ اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. از صدر اسلام که مشرکان شمشیر ظلم را بر سر مسلمانان نهاده، مانع ایمان‌آوری و گرایش به رسالت پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله بودند، تا حاکمان ظالم دوره اموی، عباسی و... هیچ‌گاه این پرچم مقدس بر زمین نهاده نشد. پیامبر اسلام، امامان معصوم علیهم‌السلام، افرادی همچون عمار یاسر، سمیه، کمیل بن زیاد، میثم تمار، حجر بن عدی، اصحاب امام حسین علیه‌السلام و ... که در برابر ظلم و طاغوت زمانه استقامت ورزیدند، عالمانی که با قلم و خون خویش درخت اسلام را بارور کردند، شجاعت رزمندگان اسلام با دفاع هشت ساله در برابر تهاجم رژیم بعث به ایران و پایداری آزادگان در زندان‌های آن رژیم سفاک، همه نمونه‌های زیبا و افتخارآفرین از مقاومت و پایمردی در دفاع از حق ترسیم کردند.

صبر و استقامت اسیران ایرانی در برابر سختی‌ها و مشکلات روحی و جسمی طاقت فرسای مزدوران بعثی، در سایه خدا باوری، ولایت‌مداری و عشق به امام خمینی رحمته‌الله مایه افتخار و جاودانگی در تاریخ ایران گردید و بستر لازم را برای تأسی به امامان معصوم علیهم‌السلام بویژه امام حسین علیه‌السلام و ایستادگی و مقاومت در برابر شکنجه‌ها فراهم کرد.

ترسیم پایداری آزادگان در حدّ و وسع این نوشته و توان نگارنده نیست؛ لیکن با تقدیم ارادت قلبی به همه رزمندگان به خصوص شهدا، جاوید الاثرها، آزادگان و جانبازان

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و مرکز تخصصی شیعه‌شناسی.

عرصه دفاع از حریم و حرم تشیع و با تمرکز بر تعدادی از دست نوشته‌ها و خاطرات اسرای ایرانی، به عوامل اساسی و برخی جلوه‌های استقامت و پایداری اسیران ایرانی در بند زندان‌های رژیم بعث عراق اشاره می‌شود:

۱. عوامل پایداری آزادگان

پایداری مترادف با ایستادگی، استواری و مقاومت^۱ یکی از فضایل اخلاقی مورد تأکید قرآن^۲ و روایات است. «بزرگ‌ترین و عالی‌ترین ارزش‌های انسانی یعنی آزادی»^۳ بشر به دست مستکبران در جهت منافع شان محدود می‌شود، ولی انسان‌های آزاده همواره الگوی پایداری‌اند: «انسان آزاده در همه احوال آزادمرد است: اگر سختی به او رسد صبر می‌کند و اگر مصائب بر او هجومه نماید شکسته نمی‌شود؛ اگر چه اسیر و مقهور دشمن شده و راحتی به عسر و سختی تبدیل گردد ...»^۴

عوامل معنوی متعددی در پایداری آزادگان دفاع مقدس نقش داشته که با نگاهی کلی به خاطرات آن دوران، می‌توان آن‌ها را در سه مورد خلاصه کرد: الف) باور قلبی به خدای تعالی؛ ب) ارادت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله؛ ج) عشق به امام خمینی رحمته الله.

این عوامل، بستر رفتاری شجاعانه و غیورانه از عموم آزادگان دوران هشت سال دفاع مقدس را فراهم کرده بود؛ هر چه میزان اعتقاد به این سه عنصر محوری بیشتر بود، درجه مقاومت و تاب‌آوری نیز افزایش می‌یافت. در این جا به تشریح هریک از این موارد می‌پردازیم:

الف) باور قلبی به خدای تعالی

مؤثرترین راه غلبه بر مشکلات جسمی و روحی، اعتقاد قلبی به خداوند است؛ آن جا که می‌فرماید:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۵ همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش

۱. حسن عمید؛ فرهنگ فارسی؛ ج ۱، ص ۴۳۴.

۲. هود: ۱۱۲.

۳. ر.ک: مرتضی مطهری؛ انسان کامل؛ ص ۴۸.

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۸۹.

۵. رعد: ۲۸.

می یابد».

انسانی که خدا را از صمیم قلب و باتمام وجود قبول داشته باشد به وقایع سخت نگاهی مثبت خواهد داشت؛ چه زیبا اسیری می گفت: «اگه همیشه با خدا باشی، هیچ وقت بهت سخت نمی گذره».^۱

آزادگان، مؤمنان به خدا و رسولان ملت ایران بودند که مظلومانه زیر شکنجه های دشمن با توکل به خدا بر عهد خویش ثابت قدم ماندند: «ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ».^۲ البته اعمال معنوی خاصی هم چون خواندن نماز^۳ در اسارت، قرائت قرآن^۴ و دعا^۵ زیر شکنجه و شکر الهی در همه حال^۶ علاوه بر تقویت این اعتقاد، از نشانه های مهم فرد باورمند به خدای تعالی است که انسان بدون اهتمام به این اعمال معنوی، قدرت تحمل و مقابله با دشمن را نخواهد داشت.

ب) ارادت و محبت به اهل بیت پیامبر ﷺ

انسان خدا باور، معتقد به پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ اوست.^۷ وی محبت قلبی، عملی و توسل به ایشان را مایه تعالی و افزایش قدرت روحی خویش می داند. خواندن ادعیه و عزاداری بر ابی عبدالله ﷺ نمونه های عالی توسل و استمداد از اهل بیت ﷺ است که زمینه و موجب آشنایی با مصائب خاندان رسول الله و افزایش تاب آوری آدمی می شود. بر همین اساس، بسیاری از اسیران زیر شکنجه ذکر یا زهرا و یا مهدی^۸ را تکرار می کردند.

کسب رضای خدا^۹ و دعاهایی هم چون زیارت عاشورا بود که بسیاری از آزادگان را

۱. سید ناصر حسینی پور؛ پایی که جاماند؛ ص ۵۶۴.

۲. آن گاه ما رسولان خود و مؤمنان را نجات می دهیم، ما بر خود فرض کردیم که این چنین اهل ایمان را نجات بخشیم (یونس: ۱۰۳).

۳. غلامعلی رجائی؛ سیره ابوترابی؛ ج ۱، ص ۲۶۰.

۴. سید ناصر حسینی پور؛ همان؛ ص ۲۱۶-۲۳۸ و ۲۷۹.

۵. سعید عاکف؛ حکایت زمستان؛ ص ۱۹۵.

۶. غلامعلی رجائی؛ همان؛ ج ۱، ص ۱۵۵.

۷. نساء: ۵۸.

۸. سعید عاکف؛ همان؛ ص ۱۲۸ و ۲۰۸.

۹. همان؛ ص ۱۱۲.

زیر دست جلادهایی مثل صدام و رجوی زنده نگه داشت.^۱ عباس حسین مردی زیر شکنجه‌های نفس‌گیر بعثی‌ها و نیز منافقین بعد از حمله او به ابریشمچی (معاون سازمان منافقین) و مجروح کردن وی،^۲ دائم زیارت عاشورا می‌خواند. او می‌نویسد: «من اگر این حالت ذکر و توسل را نداشتم هرگز نمی‌توانستم فقط هفت ماه از اسارتم را زیر شکنجه منافقان طاقت بیاورم؛ حالا شکنجه بعثی‌ها جای خود».^۳

در این بین تعلق خاطر به امام سوم شیعیان، اسیران را بسیار مقاوم و نترس کرده بود و به همین جهت، آنان عزاداری بر سالار شهیدان را ترک نمی‌کردند. بیان سید علی‌اکبر ابوترابی در توصیف مقاومت اسرا شنیدنی است:

بارها عراقی‌ها با چوب و کابل و شلاق به جان اسیران نماز گزار افتادند. آن‌ها غرقه به خون شدند و لیکن نمازشان را قطع نکردند. بارها به اسیرانی که سینه می‌زدند، هجوم می‌آوردند که برای امام حسین علیه السلام عزاداری نکنید؛ هیچ اسیری از میدان بیرون نمی‌رفت و عزاداری برای آقا را ترک نگفت.^۴

ارادت قلبی و محبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله زمینه‌الگو برداری عملی از رفتار ایشان را به مرور فراهم می‌ساخت. تحمل اسارت چندین ساله و اقامه نماز جماعت زیر شکنجه دشمن بعثی و غرق به خون شدن در سجده، تأسی به نماز ابا عبدالله علیه السلام در سرزمین کربلا زیر تیر باران لشکر دشمن بود: «عراقی تنومندی به جان امام جماعت افتاد که شاید بقیه نمازشان را قطع کنند، دیگری جلو ایستاد، او را در سجده غرق به خون کردند اما آن‌ها نمازشان را ترک نکردند».^۵

ج) عشق به امام خمینی علیه السلام

از دیگر عوامل پایداری اسرا، عشق به امام خمینی علیه السلام بود. از دیدگاه آزادگان، حضرت امام علیه السلام یک شخص نبود، بلکه اندیشه‌ای ماندگار و تداوم اعتقاد به ولایت ائمه اطهار علیهم السلام بود. همین امر (باور به «ولایت، حب و عشق به او و اشتیاق دیدار امام

۱. همان؛ ص ۱۹۵.

۲. سعید عاکف؛ همان؛ ص ۱۸۴-۱۸۵.

۳. همان؛ ص ۱۰.

۴. غلامعلی رجائی؛ سیره ابوترابی؛ ج ۱، ص ۲۶۰.

۵. پیشین.

دلیل مقاومت در برابر توهین‌ها به شمار می‌رفت.^۱ همان‌گونه که امام علیه السلام منشأ روحیه^۲ آزادگان در دوران غربت و مشقت اسارت به شمار می‌رفت، رافع غصه‌ها^۳ و عامل ثبات قدم اسرا^۴ نیز بود.

امام علیه السلام در جایگاه جانشین امام زمان علیه السلام و به مصداق روایت پیامبر صلی الله علیه و آله «أَنَا وَعَلِيُّ آبَاؤَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»^۵ حکم پدری مهربان و دلسوز داشت که نامه‌های ارسالی آزادگان به ایران گواه این ادعاست. اسیران با واژه «پدر بزرگ» جویای احوال حضرت امام علیه السلام بودند؛^۶ به حدی که این قرابت قلبی و رابطه پدر و فرزندگی بعد از اسارت نیز تداوم یافت و اولین درخواست آنان پس از آزادی، زیارت امام راحل بود.^۷

۲. نمونه‌هایی از پایداری آزادگان

ایستادگی و مقاومت اسیران در ابعاد روحی و جسمی قابل بررسی است؛ همان‌گونه که آن‌ها در دو قالب کلی (شکنجه‌های روحی و جسمی) تحت آزار و اذیت بودند، تحمل شکنجه‌های روحی (توهین، اهانت و بی حرمتی) و مقابله با تخریب روحی به مراتب سخت‌تر از مقاومت زیر شکنجه‌های جسمی بود. در این مختصر تنها به سه مورد (ایستادگی در برابر تضعیف روحیه دشمن، مقاومت در برابر اهانت‌ها و پایداری در برابر شکنجه‌های جسمی) از جلوه‌های مقاومت اسرای ایرانی پرداخته می‌شود:

الف) ایستادگی در برابر تضعیف روحیه دشمن

هدف اصلی رژیم بعث از انواع آزارها، در مرحله اول نابودی روحی و سپس جسمی اسرای رزمنده بود. تنهایی در غربت، بی‌خبری از حال خانواده، نامعلوم بودن آینده و ناامیدی به نجات از زندان، در کنار شکنجه‌های جسمی، بستر مناسبی برای تضعیف

۱. مؤسسه نشر آثار امام خمینی علیه السلام؛ داغ حسرت - رنج غربت؛ ص ۳.

۲. همان؛ ص ۷.

۳. همان؛ ص ۲۷.

۴. همان؛ ص ۳۲.

۵. محمد بن علی صدوق؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ ج ۲، ص ۸۵.

۶. مؤسسه نشر آثار امام خمینی علیه السلام؛ داغ حسرت - رنج غربت؛ ص ۳۲ و ۹۰.

۷. همان؛ ص ۴۶.

روحیه فراهم می‌آورد. همه این عوامل دست به دست هم داده بود تا پهنای شوم روزمرگی و بیکاری بر اسرای رزمنده پرده افکند. باید چاره‌ای اندیشیده می‌شد تا غربت، روزمرگی و بی‌کاری روحیه اسیران را تخریب نکند. در این راستا، آزادگان به اقداماتی نظیر ثبت وقایع اسارت، سوادآموزی، ورزش و ... دست زدند که به برخی موارد اشاره می‌شود:

- پرهیز از روزمرگی با ثبت خاطرات

روزمرگی به مفهوم تکراری شدن اوضاع و غیر قابل تغییر بودن شرایط، یکی از سختی‌های مهم دوران اسارت بود. ثبت وقایع ایام اسارت، یکی از راه‌کارهای مهم غلبه بر این چالش و مقابله با تضعیف روحی بود. برخی از افراد که هیچ امید برای نجات از دژخیمان بعثی نداشته در زندان‌های تکریت و ... مفقودالثر بودند، خاطرات اسارت خود را مخفیانه به صورت روزشمار و البته رمزی و مختصر ثبت و آن را در داخل پایه عصا جاسازی می‌کردند.^۱ این‌گونه ابتکارات امید به آینده را در دل زنده کرده، انسان را از خودخوری و آشفتگی فکری می‌رهانید. کتاب «پایی که جا ماند»^۲ که بعد از آزادی اسیران آماده و چاپ شده، حاصل تلاش روزمره آن ایام است. یادآوری خاطرات زندگی^۳ یکی دیگر از راه‌های مقابله با تضعیف روحیه بود. این امر سبب زنده شدن نور امید در دل آزادگان می‌شد. امید به دیدار والدین، خانواده و دوستان تا حدی از غربت و تنهایی اسارت می‌کاست.

- مقابله با بی‌کاری

بی‌کاری تأثیر مستقیمی در تضعیف روحیه معنوی دارد؛ زیرا عامل نفوذ شیطان در قلب انسان و سپس انحرافات اخلاقی است. امیرمؤمنان، علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مِنَ الْفَرَاغِ تَكُونُ الصَّبْوَةُ»^۴ ریشه نادانی و هلاکت، فراغت و بیکاری است. آن حضرت در جای دیگر فرموده است: «اگر تن دادن به کسب و کار مایه زحمت و

۱. سید ناصر حسینی پور؛ همان؛ ص ۱۲.

۲. پیشین.

۳. همان؛ ص ۵۰۹.

۴. عبدالواحد تمیمی آمدی؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ ج ۱، ص ۶۷۱.

رنج است، بی‌کاری طولانی هم باعث فساد و انحراف می‌شود»^۱.
 قرائت قرآن یکی دیگر از راه‌های پرکردن ساعات بی‌کاری در دوران اسارت بود. سید محسن یحیوی (معاون وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران) در زندان انفرادی با قرائت قرآن وقت خود را مدیریت می‌کرد.^۲ مطالعه روزنامه عراقی و برخی کتاب‌ها، گوش دادن به رادیو^۳ و نوشتن اسم خود و دوستان مفقود الاثر روی دیوارهای زندان با هر وسیله‌ای، راه‌هایی برای دوری از بی‌کاری به شمار می‌رفت.
 سوادآموزی و ورزش نیز، دو راه‌کار مناسب جهت مقابله با تضعیف روحیه از جانب مرحوم ابوترابی^۴ بود. از دیدگاه ایشان، سوادآموزی سبب دوری از افکار شیطانی^۵ و ورزش عامل نشاط، همدلی و تقویت روحیه^۶ بود. همان‌گونه که این دو مورد نقش مؤثری در رفع بی‌کاری داشت، موجب تقویت روحی آزادگان نیز می‌شد. ابوترابی با توصیه‌های خود باعث شد مسابقات ورزشی رونق بگیرد و توجه به آن بیش‌تر شود، به طوری که در برهه‌ای، هشتاد تیم فوتبال در یک اردوگاه ثبت شده است.^۶ عراقی‌ها نیز در مواردی درخواست بازی می‌کردند که البته شکست آن‌ها از تیم‌های آزادگان به شکنجه اسرای ایرانی ختم می‌شد.
 ارتباط بیش‌تر و نزدیک‌تر آزادگان با یک‌دیگر و پر کردن اوقات فراغت با برگزاری کلاس‌های آموزش معارف،^۷ حفظ قرآن،^۸ مفاهیم قرآن،^۹ حفظ دعا^{۱۰}، شرح ادعیه^{۱۱} و زبان عربی،^{۱۲} انگلیسی، آلمانی^{۱۳} و فرانسه^{۱۴} - البته دور از چشم عراقی‌ها - به تقویت

۱. محمد بن محمد مفید؛ الارشاد؛ ج ۱، ص ۲۹۸.

۲. سید محسن یحیوی؛ ده سال تنهایی؛ ص ۱۳۸.

۳. همان؛ ص ۱۸۷.

۴. غلامعلی رجائی؛ دفتر دوم؛ ج ۱، ص ۲۲۵.

۵. همان؛ ج ۱، ص ۱۲۷.

۶. پیشین.

۷. همان؛ ج ۱، ص ۱۶۸.

۸. سید ناصر حسینی‌پور؛ همان؛ ص ۳۸۷ و علی‌اکبر شیرسلیمیان؛ همان؛ ص ۱۵۶.

۹. سید محسن یحیوی؛ همان؛ ص ۱۳۸.

۱۰. علی‌اکبر شیرسلیمیان؛ همان؛ ص ۱۱۸.

۱۱. غلامعلی رجائی؛ همان؛ ج ۱، ص ۱۸۷ و ۱۹۵.

۱۲. سید ناصر حسینی‌پور؛ همان.

۱۳. علی‌اکبر شیرسلیمیان؛ همان؛ ص ۱۴۳ و ۱۵۶.

۱۴. همان؛ ص ۱۵۶.

روحي اسرا مي انجاميد.

ب) مقاومت در برابر اهانت‌ها

بعثيون عراقی با هر سخن و کلامی قصد رنجاندن دل اسرا را داشتند، تا با این کار آن‌ها را به ایران و ایرانی بدبین کنند. آنان با القای بی‌توجهی مسئولین ایرانی به سرنوشت اسیران و عدم پیگیری وضعیت‌شان، زمینه توهین به مسئولین ایرانی را فراهم می‌کردند. اولین فرد مورد توجه برای تخریب شخصیت وی، امام خمینی علیه السلام بود. عراقی‌ها با مشاهده ارادت اسیران رزمنده به امام، تصمیم گرفتند آنان را به اجبار وادار به توهین کنند و این امر را در سه نوبت^۱ (صبح، ظهر و شب) در دستور کار خود قرار دادند. با این وجود، اسرا در برابر توهین به امام خمینی علیه السلام تا حد امکان مخالفت و مقاومت می‌کردند.

اعتقاد رزمندگان به ولی فقیه و امام خود تا حدی بود که وقتی افسر عراقی در اردوگاه موصل یک (قدیم) همه اسیران را به صف نشانده و با تهدید و ناسزاگویی گفت: بگوئید مرگ بر... همین که نام امام خمینی علیه السلام را بر زبان آورد، همه آزادگان سه بار صلوات فرستاده، شعار «وَأَيَّدَ إِمَامَ الْخَمِينِي وَانصُرْ جَيْوشَ الْحُسَيْنِي» سر دادند. آنان وقتی که در توهین اجباری به امام راحل شکست خوردند، دستور برگشت اسیران به آسایشگاه‌شان صادر شد.^۲ از دیدگاه آزادگان، اهانت به مسئولان ایران اسلامی، مقدمه‌ای برای لگد مال کردن دیگر ارزش‌ها بود. آنان تا حد امکان از بی‌حرمتی به دیگر مسئولان ایرانی نیز خودداری می‌کردند.^۳

البته آزادگان در برابر اهانت‌های فردی^۴ و حرف‌های زشت به فرد آنان که با هر حرف و فحشی بیان می‌شد و ابایی از هتک حرمت و آبروی افراد نبود، چاره‌ای جز صبوری نداشتند؛ چرا که در صورت پاسخ دادن شکنجه جسمی می‌شدند.

ج) تحمل شکنجه‌های جسمی

از مهم‌ترین جلوه‌های پایداری آزادگان، گذشته از سختی‌های روحی ناشی از اهانت،

۱. سید ناصر حسینی‌پور؛ پایی که جاماند؛ ص ۴۷۱.

۲. عبدالمجید رحمانیان؛ منشور پاکي و خدمتگزاری؛ ج ۱، ص ۱۵.

۳. علی اکبر شیرسلیمیان؛ خروش خاموش؛ ص ۱۵۷.

۴. همان؛ ص ۲۳۲.

تحمل شجاعانه شکنجه‌های بدنی وحشیانه سربازان بعثی بود. اسرای پیرو مکتب تشیع در غربت و بی‌خبری از خانواده و آشنایان، گرمای شدید و سرمای طاقت فرسای سلول‌های تاریک، سکونت در آسایشگاه‌هایی با بیش از حد ظرفیت، انواع تحقیرها، سیلی خوردن‌ها، شکنجه با شلاق‌های کابل برقی، شیلنگ، باتوم، میله گرد و چوب، داغ شدن با اتو، تماس فلز داغ به بدن، حکاکی حروف روی بدن، سوزاندن ابروها با سیگار، کندن ریش با فندک و انبردست، بی‌توجهی به امور بهداشتی و غذایی، تشنگی و گرسنگی متعدد و بسیاری موارد دیگر، صادقانه بر عهد خویش پایدار ماندند، تسلیم دشمن نشدند و به مصداق آیه ذیل حتی یک آخ هم نگفتند؛^۱ آن‌جا که می‌فرماید: «و مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا».^۲

اعتقاد دینی موجب تحمل شکنجه‌های جسمی و مانع شکست انسان می‌شود و اصولاً صبر از نشانه‌های انسان‌های بلند همت و دارای اراده قوی است.^۳ یاران امام حسین علیه السلام با همین اراده تا آخرین نفس در مقابل دشمن ایستادگی کرده، درد و زخم شمشیر و نیزه را به جان خریدند. شوق حضرت عباس علیه السلام برای اجرای وظیفه دینی - الهی، تحمل مصائب جسمی و عدم برگشت از مسیر حق با آن همه ضرباتی را که بر بدن مطهرش وارد شده بود، به زیبایی می‌توان در میان رزمنده‌های دفاع مقدس و به خصوص آزادگان مشاهده کرد. آن‌ها اسارت خویش را در مقابل اسارت خانواده و اهل بیت امام حسین علیه السلام ناچیز می‌دیدند و با تأسی به زینب کبری علیه السلام سپر بلای اسرای دیگر شده^۴ و با وجود ضربات شلاق و ... خود را مقید به یاری مجروحان و مراقبت از اسرای مجروح^۵ و ایثار جان برای عدم شکنجه دیگری می‌دانستند.^۶

۱. سعید عاکف؛ همان؛ ص ۱۹۶.

۲. احزاب: ۲۳.

۳. آل عمران: ۱۸۶ و لقمان: ۱۷.

۴. سید ناصر حسینی‌پور؛ پایی که جاماند؛ ص ۲۱۷.

۵. همان؛ ص ۲۳۹.

۶. سعید عاکف؛ همان؛ ص ۱۶۴، ۲۰۷ و ۲۰۹.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد؛ غررالحکم؛ مصحح: سید مهدی رجائی؛ چاپ دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲. جعفری، مجتبی؛ جهنم تکریت؛ چاپ پنجم، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۹ش.
۳. حسینی پور، سید ناصر؛ پایی که جاماند؛ چاپ نوزدهم، تهران: سوره مهر وابسته به حوزه هنری، ۱۳۹۱ش.
۴. رجائی، غلامعلی؛ سیره ابوترابی (خاطرات دوران اسارت حجت الاسلام والمسلمین سید علی اکبر ابوترابی فرد)؛ چاپ اول، تهران: انتشارات پیام آزادگان، ۱۳۹۱ش.
۵. رحمانیان، عبدالمجید؛ منشور پاک و خدمتگزاری؛ چاپ اول، تهران: امید آزادگان، ۱۳۸۳ش.
۶. شیرسلیمان، علی اکبر؛ خروش خاموش (مروری بر زندگی زندگی آزاده سرافراز دکتر سید عباس پاک نژاد)؛ چاپ نخست، تهران: مؤسسه انتشارات یزد، ۱۳۷۹ش.
۷. طوسی، محمد بن الحسن؛ الغیبه؛ چاپ اول، قم: انتشارات دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۸. عاکف، سعید؛ حکایت زمستان؛ چاپ هجدهم، مشهد: ملک اعظم، ۱۳۸۸ش.
۹. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید؛ چاپ نهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۲ش.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ، چهارم، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۱. مطهری، مرتضی؛ انسان کامل؛ چاپ هفتم، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۱ش.
۱۲. مفید، محمد بن محمد؛ الارشاد؛ تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام؛ چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۳. یحیوی، سید محسن؛ ده سال تنهایی؛ چاپ پنجم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ش.

اوصاف منتظران

حجت الاسلام والمسلمین محمود ملکی راد*

مقدمه

باور به امام مهدی عجل الله فرجه در حوزه‌های فردی و اجتماعی آثار و پیامدهای بسیاری دارد. بیشترین آثار و کارکردهای مهدویت، با بحث «انتظار» گره خورده است. انتظار فرج باعث آمادگی فرد و جامعه در حوزه‌های مختلف اعتقادی، فکری، اخلاقی، تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌شود و آرمان‌گرایی، نشاط، پویایی، وظیفه‌شناسی و روح امید را در افراد زنده می‌کند. اهمیت و جایگاه مقوله انتظار موجب توجه ویژه اندیشوران اسلامی به خصوص شیعه بوده است، به طوری که حرکت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را بر اساس آن پی‌ریزی می‌کنند. بی‌شک، بررسی آثار و پیامدهای انتظار و تبیین اوصاف منتظران در ارائه الگو برای نسل جدید، تأثیر بسیاری دارد. درباره اوصاف منتظران پژوهش‌هایی صورت گرفته، اما به جنبه کاربردی آن کمتر پرداخته شده است. در مقاله پیش‌رو اوصاف منتظران با رویکرد کاربردی آن مد نظر است که بعد از مفهوم‌شناسی انتظار، به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهد شد.

مفهوم‌شناسی انتظار

«انتظار در لغت به معنای مراقب بودن، توقع چیزی داشتن^۱ و چشم به راه بودن

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. ابن منظور؛ لسان العرب؛ ج ۱، ص ۴۲۴.

است و در اصطلاح، انتظار عبارت است از یک حالت قلبی و روحی که حکایت از آمادگی فرد برای چیزی است که انتظار آن را می‌کشد.^۱ بنابراین، انتظار به معنای چشم به راه بودن حقیقتی است که بایستی فرد آماده دیدار او باشد و منتظر کسی است که در خود آمادگی لازم را برای ظهور امام زمان علیه السلام ایجاد کند. این آمادگی باعث می‌شود تا وی از حالت روحی مناسبی برخوردار باشد و با تلاش و مجاهدت خود را برای رسیدن به آینده‌ای روشن آماده نگه دارد. با این وصف انتظار از سنخ تلاش، عمل، تکاپو و تحرک است. در جمع‌بندی معنای اصطلاحی انتظار می‌توان گفت: «انتظار به معنای اشتیاق انسان، برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر است و این حالتی است که بشر همیشه باید در خود حفظ کند و پیوسته در حال انتظار فرج الهی باشد».^۲

در این نوشتار، به نقش کاربردی برخی از مهم‌ترین اوصاف منتظران اشاره شده است:

۱. امیدواری

امید به آینده درخشان، خواست مشترک همه انسان‌هاست، زمان و مکان نمی‌شناسد و در همه ملل و اقوام یافت می‌شود. در رویکرد اسلامی، امام مهدی علیه السلام تحقق بخش وعده خداوندی به صالحان و متقیان و ایده‌آل تمام انبیا بوده که به دست وی به منصفه ظهور خواهد رسید. از این رو، این باور مهم‌ترین و موثرترین عناصر و مکانیسم‌های ایجاد روح امید را در بطن خویش دارد؛ زیرا وعده پیروزی حق بر باطل، برچیده شدن بساط ظلم و ستم، گسترش صلح و عدل، عدم انقیاد در برابر حاکمان ظلم و جور، گسترش امنیت، رفاه، پیشرفت و ترقی، بالا رفتن سطح فرهیختگی انسان‌ها و... که وعده تحقق آن در این اندیشه مطرح شده، موجب می‌شود روح امید در مردم زنده شود و آنان با امیدواری در انتظار آینده‌ای بهتر باشند. در روایات اسلامی از چنین امید و آرزوی تحقق این ایده مقدس، به انتظار فرج یاد شده است. شهید

۱. محمد تقی موسوی اصفهانی؛ مکیال المکارم؛ ج ۲، ص ۱۵۲.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم با رهبر انقلاب؛ ۱۳۷۵/۱۰/۰۶.

مطهری علیه السلام در این زمینه می نویسد:

انتظار فرج از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می شود و آن اصل حرمت یأس از روح الله است. مردم مؤمن به عنایات الهی، هرگز و در هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده گرایمی نمی گردند. امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی انسانی در زبان روایات اسلامی انتظار فرج خوانده شده است.^۱

قرآن کریم با یادآوری اهمیت و جایگاه امیدواری می فرماید: «... وَ لَا تَيْأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»^۲ از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می شوند».

از دیدگاه شهید مطهری علیه السلام خوش بینی به آینده از مشخصات انتظار است:

انسان بالفطره در راه تکامل فکری و اخلاقی و معنوی پیش می رود ... آینده ای بس روشن و سعادت بخش و انسانی که در آن شر و فساد از بیخ و بن برکنده خواهد شد در انتظار بشریت است. این نظریه الهامی است از دین، نوید مقدس قیام و انقلاب مهدی موعود در اسلام در زمینه این الهام است.^۳

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای علیه السلام نیز با یادآوری این خصوصیت در منتظران، با اشاره به اهمیت و نقش انتظار در ایجاد روح امید می فرماید:

ما منتظریم؛ یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور، طغیان و ... پر شده است، در سایه تلاش و فعالیت بی وقفه ما به یک جهانی تبدیل خواهد شد که در آن انسانیت و ارزش های انسانی محترم است.^۴

از این منظر، اساسا امید با انتظار عجین شده و از اوصاف منتظران برشمرده شده است؛ چرا که «اعتقاد به مهدویت امید را در دلها زنده می کند؛ هیچ وقت انسانی که

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۴، ص ۴۰۶.

۲. یوسف: ۸۷.

۳. پیشین، ص ۴۳۶.

۴. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم؛ ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

معتقد به این اصل است ناامید نمی‌شود؛ چرا؟ چون می‌داند یک پایان روشن حتمی وجود دارد.^۱

مهم‌ترین آثار امید در جامعه منتظر

امید آثار کاربردی فراوانی دارد که در این جا به مهم‌ترین موارد آن اشاره می‌شود:

۱-۱. مبارزه با ظلم و ستم

مبارزه با ظلم و ستم از جمله آثار کاربردی امیدواری در منتظران است. خداوند در قرآن کریم از مردم خواسته که به ظالمان اعتماد و تکیه نکنند؛ آن‌جا که می‌فرماید:

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ^۲؛ به کسانی که اهل ستم‌گری هستند، میل و رغبتی نداشته باشید. که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد، و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود، و سرانجام یاری نخواهید شد.

«رکون» به سوی ظالمین که در این آیه از آن نهی شده آن است که کسی در ستم و ظلم ستم‌کاران و ظالمان شرکت کند و از کار آن‌ها اظهار رضایت نماید یا با آن‌ها اظهار دوستی و محبت کند.^۳

نهی در این آیه، کسانی را که با ستم‌کاران در ستم‌گری شرکت دارند، یا از عمل آن‌ها اظهار رضایت کنند، یا با آن‌ها همراهی کنند، یا با آن‌ها رفاقت داشته باشند و یا با آن‌ها با تعارف و چرب‌زبانی رفتار کنند، همگی را در بر می‌گیرد. در روایت آمده است: «کسی که برای باقی ماندن شخص ستم‌گر و ظالم دعا کند، در حقیقت با این کارش دوست دارد که در روی زمین معصیت خداوند واقع شود».^۴

حرکت و تلاش و مبارزه با ظلم و ستم شخص منتظر آثار خود را در جامعه نشان

۱. در انتظار طلوع خورشید؛ گزیده‌ای از بیانات رهبر انقلاب اسلامی درباره امام زمان؛ ۱۳۹۰/۰۷/۰۸
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1192>

۲. هود: ۱۱۳.

۳. فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۵، ص ۳۹۶.

۴. حسن بن محمد دیلمی؛ ارشاد القلوب؛ ج ۱، ص ۷۶: «رَوَى عَنِ النَّبِيِّ ﷺ مَنْ دَعَا لِظَالِمٍ بِالتَّقَاءِ فَقَدْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصِيَ اللَّهَ فِي أَرْضِهِ».

می‌دهد. در نتیجه اگر ملتی امید به آینده‌ای روشن نداشته باشد و به آینده خویش امیدوار نباشد از حرکت باز می‌ماند و تسلیم دشمنان خویش می‌گردد. فرض کنید ملتی در زیر سلطه ظالمانه قدرت مسلطی قرار دارد و هیچ امیدی ندارد؛ این ملت مجبور است تسلیم شود. ... اما اگر این ملت و جماعت، امیدی در دلشان باشد و بدانند که عاقبت خوبی حتماً وجود دارد، چه می‌کنند؟ طبیعی است که مبارزه خواهند کرد ... و اگر مانعی در راه مبارزه وجود داشته باشد، آن‌را برطرف خواهند کرد. ... ملتی که در دلش خورشید امید به آینده و زندگی و لطف و مدد الهی می‌درخشد، هرگز تسلیم و مرعوب نمی‌شود. ... عقیده به امام زمان علیه السلام هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، چنین تأثیر عظیمی دارد.^۱

۱-۲. گشایش بن‌بست‌ها

با امید و امیدواری، گره‌ها گشوده شده، بن‌بست‌ها از بین می‌رود: «وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاری زندگی هم همین فرج متوقع و مورد انتظار است. این درس امید به همه انسان‌ها است».^۲

از این رو، باور به عدم وجود بن‌بست را می‌توان یکی از آثار امیدواری دانست که اعتقاد به مهدویت و انتظار به دنبال دارد. بدین جهت:

وقتی به ما می‌گویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید؛ بلکه معنایش این است که هر بن‌بستی قابل گشودن است. فرج یعنی گشایش، مسلمان با درس انتظار، فرج می‌آموزد و تعلیم می‌گیرد که هیچ بن‌بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن‌را باز کرد و لازم باشد که انسان ناامید دست روی دست بگذارد و بنشیند و بگوید دیگر کاری نمی‌شود کرد. این درس انتظار واقعی به همه انسان‌هاست؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته‌اند.^۳

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم؛ ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2780>

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان؛ ۱۳۸۴/۰۶/۲۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3308>

۳. همان.

۳-۱. تلاش و مجاهدت

تلاش و مجاهدت یکی دیگر از آثار امید در شخص منتظر است. خداوند با تأکید بر اهمیت مجاهدت و تلاش در راه الهی آن را مایه هدایت در سبیل خود معرفی نموده است؛ آن‌جا که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»^۱ و آن‌ها که در راه ما جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایت‌شان خواهیم کرد و خداوند با نیکوکاران است».

وقتی مردم در پرتو انتظار به آینده امیدوار باشند، روحیه تلاش و مجاهدت در آنان به صورت مضاعف تقویت خواهد شد؛ یعنی در پرتو باور به مهدویت، جامعه منتظر با امیدواری به آینده در مسیر پیشرفت و تعالی قرار خواهد گرفت. مقام معظم رهبری علیه‌السلام با تأکید بر این مطلب می‌فرماید: «انتظار یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه زمینه‌ها انتظار فرج داشته باشید و بدانید که این فرج، محقق خواهد شد، مشروط بر این که شما انتظارتان، انتظار واقعی باشد، عمل باشد، انگیزه باشد، حرکت باشد».^۲ بنابراین، هر فرد و جامعه‌ای که امید در روح او ریشه دوانده باشد به خود و داشته‌های خود بسنده خواهد نمود و هرگز مرعوب قدرت ظاهری بیگانگان و دشمنان نخواهد شد. در نتیجه «یکی از برکات اعتقاد به مهدویت این است که انسان احساس اطمینان می‌کند، احساس قوت قلب می‌کند، احساس قدرت می‌کند».^۳ بر این اساس باور به مهدویت و انتظار را باید رمز حرکت و تلاش جامعه منتظر دانست.

۲. خودسازی و اصلاح فردی و اجتماعی

اعتقاد به مهدویت موجب می‌شود تا شخص منتظر در تربیت خویش بکوشد و صفات نیک و اخلاق حسنه را در خود نهادینه کند. در نگاه قرآنی این مطلب اهمیت فراوانی دارد؛ آن‌جا که می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»^۴ هر کس

۱. عنکبوت: ۶۹.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان؛ ۱۳۸۴/۰۶/۲۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3308>

۳. همان.

۴. شمس: ۱۰ و ۹.

نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده؛ و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است». اعتقاد به امام زمان علیه السلام و باور به عرضه اعمال بر آن حضرت باعث می‌شود تا هر یک از معتقدان، نظارت او را در زندگی فردی و اجتماعی خودش با همه وجود احساس نماید و از این راه افراد به تکامل روحی لازم می‌رسند و در نتیجه، خودسازی فردی و اجتماعی در جامعه تحقق می‌یابد. شهید مطهری رحمته الله در این باره می‌نویسد:

از مجموع آیات و روایات استفاده می‌شود که ظهور امام مهدی علیه السلام آخرین حلقه از حلقات مبارزات حق و باطل است که به پیروزی اهل حق منتهی خواهد شد. سهمیم بودن جامعه در این سعادت موعود، بسته به این است که افراد از ایمان کافی برخوردار باشند، و علی‌رغم رواج ظلم و فساد، زمینه‌های پرورش اهل ایمان و یاران ویژه نیز فراهم گردد تا به محض ظهور امام علیه السلام به آن حضرت پیوندند. بی‌شک پرورش چنین یارانی مستلزم تشکیل جامعه‌ای پاک و با ایمان است.^۱

بنابراین، از سویی اعتقاد به ظهور امام مهدی علیه السلام مستلزم وجود جامعه‌ای مناسب برای تربیت و پرورش انسان‌های مؤمن است و از جانب دیگر، تحقق چنین جامعه‌ای در گرو اصلاح دائم در زمینه‌های مختلف خواهد بود. پس اعتقاد به مهدویت و انتظار ظهور را می‌توان یکی از عناصر موثر اصلاحات فردی و اجتماعی برشمرد.

در حقیقت باور منتظران به مهدویت موجب می‌شود تا آنان مداوم و لحظه به لحظه اعمال خود را ارزیابی کرده، خود را تحت تربیت و نظارت امام و مقتدای خویش قرار دهند و همواره برای ایجاد و تحکیم و تثبیت فضایل اخلاقی و طرد رذایل اخلاقی بکوشند. در روایتی از امام عصر علیه السلام به این مطلب چنین اشاره شده است:

«فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَفُزُّ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَيَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَسَخَطِنَا؛^۲ هر یک از شما باید آن‌چه را که موجب دوستی ما می‌شود پیشه خود سازد و از هر آن‌چه که موجب خشم و ناخشنودی ما می‌گردد دوری کند».

بنابراین «بزرگ‌ترین وظیفه منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۴، ص ۴۳۷-۴۳۸.

۲. احمد بن علی طبرسی؛ الاحتجاج علی اهل اللجاج؛ ج ۲، ص ۴۹۸.

و عملی و ... خود را آماده کنند.^۱ پس «هر کدام‌مان در هر جا که هستیم، همت اولمان باید بر تکمیل نفس و تهذیب نفس و ساختن باطن و متحلی شدن به حلیه اخلاق الهی و معنوی باشد».^۲ تهذیب نفس، علاوه بر آن‌که از عوامل مؤثر در تعالی معنوی و اخلاقی است، در انتفاع و بهره بردن از فیض وجودی حضرت ولی عصر علیه السلام نیز مفید و سازنده است:

راهی که برای انتفاع از آن بزرگوار پیش پای ما گذاشته‌اند، راه تهذیب نفس است. راه مخصوصی نیست؛ همان راهی است که برای تکامل نفس، برای آدمِ خوب شدن، برای نورانی شدن دل انسان و انعکاس جلوه جمال الهی در آن جلو پای انسان گذاشته‌اند.^۳

۳. استقامت و پایداری

یکی دیگر از اوصاف منتظران، استقامت و پایداری است. استقامت و پایداری در راه حق از عوامل مؤثر در پیروزی افراد و جوامع به‌شمار می‌رود که با مطالعه سرگذشت پیامبران و اولیای الهی، می‌توان به این امر اذعان کرد. آنان برای رسیدن به اهداف متعالی خویش با مشکلات گوناگونی مواجه بودند، ولی در عین حال با پایداری و استقامت توانستند پیام الهی را به مردم برسانند و توفیقاتی در هدایت مردم به‌دست آورند. از این جهت، خداوند استقامت و پایداری را یکی از صفات «محسنین» برشمرده است:

وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ * إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^۴ مژده برای محسنین است؛ آنان کسانی هستند که گفتند پروردگار ما خدای متعال است، پس از

۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان؛ ۱۳۸۱/۰۷/۳۰.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3149>

۲. بیانات در دیدار با مردم قم؛ ۱۳۷۰/۰۱۰/۱۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2555>

۳. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی؛ ۱۳۸۲/۱۱/۲۱.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3222>

۴. احقاف: ۱۴ - ۱۲.

آن استقامت ورزیدند. پس از برای آنها ترس و خوفی از عذاب نیست. هم چنین آنها از چیزی محزون نیستند. آنان به خاطر اعمال نیکی که انجام دادند اهل بهشت و در آن جاویدان اند.

بر این اساس، بر منتظران لازم است در شرایط دشوار عصر غیبت و مشکلات ناشی از آن، پایدار و مقاوم باشند. در روایات به این ویژگی منتظران اشاره شده است. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این زمینه به اصحاب‌شان فرمودند:

إِنَّكُمْ أَصْحَابِي وَ إِخْوَانِي قَوْمٌ مِنْ آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا بِي وَ لَمْ يَرَوْفِي لَقَدْ عَرَفْنِيهِمُ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَ أَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ لِأَحَدِهِمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرِطِ الْقِتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْعَصَا...^۱ شما

اصحاب من هستید، لکن برادران من مردمی در آخر الزمان هستند که به من ایمان می‌آورند، با اینکه مرا ندیده‌اند. خداوند آنها را با نام و نام پدرانشان، پیش از آنکه از صلب پدران و رحم مادرانشان بیرون بیایند، به من شناسانده است. ثابت ماندن یکی از آنها بر دین خود، از صاف کردن درخت خاردار (قتاد) با دست در شب ظلمانی، دشوارتر است. و یا مانند کسی است که قطعه‌ای از آتش چوب درخت «غضا»^۲ را در دست نگاه دارد. کندن خار از درخت «قتاد» در شب تاریک و نگاه داشتن آتش از چوب درخت «غضا» در دست، کنایه از استقامت و پایداری آنان در راه دین است.

هم چنین در روایت دیگری می‌فرماید:

سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرٌ خَمْسِينَ مِنْكُمْ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بَيْدَرٍ وَ أَحَدٍ وَ حَنِينٍ وَ نَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ فَقَالَ إِنَّكُمْ لَوْ تَحَمَّلُوا لِمَا حُمِّلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ^۳ پس از شما مردمانی خواهند آمد که یکی از آنان اجر پنجاه نفر از شما را دارد. اصحاب گفتند: ما در جنگ‌های بدر، احد و حنین با شما بودیم و آیاتی درباره ما نازل شد؛ پس چرا به آنها پنجاه برابر ما ثواب داده می‌شود؟ حضرت فرمودند: آنان در شرایطی دشوار خواهند بود که اگر شما در آن شرایط باشید تحمل و استقامت آنان را نخواهید داشت.

۱. محمدبن حسن صفار؛ بصائر الدرجات؛ ج ۱، ص ۸۴.

۲. درختی است که به علت سختی چوب آن، ذغالش به کندی خاموش می‌شود.

۳. محمدباقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۵۲، ص ۱۳۰.

در هر دو روایت، در سخن رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مصداق روشن «برادران من» و «پس از شما کسانی می‌آیند» مردمی هستند که در زمان غیبت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام زندگی می‌کنند؛ چرا که روایاتی در این زمینه و شبیه به آن از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که مردم زمان غیبت را برادران خود نامیده و به مشکلات و امتحانات سخت الهی و دشواری‌های مختلفی که برای آن‌ها به وجود می‌آید، اشاره کرده است: «أُولَئِكَ رُفَقَائِي وَدُؤُودِي وَ مَوَدَّتِي وَأَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ»^۱.

طبق روایات، استقامت و پایداری در غیبت امام عَلَيْهِ السَّلَام از مصادیق صبر برشمرده شده است. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره استقامت و صبر منتظران چنین می‌فرماید: «طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِي؛^۲ خوشا به حال صبر کنندگان در غیبت {امام}». بر این اساس، منتظرانی که صبر و پایداری پیشه کنند، پاداش بزرگی از خداوند دریافت خواهند کرد.

۱. محمد بن حسن طوسی؛ الغيبة؛ ص ۴۵۶.

۲. علی بن محمد خزاز رازی؛ کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر؛ ص ۶۰.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ چاپ سوم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۲. خزاز رازی، علی بن محمد؛ کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر؛ قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.
۳. دیلمی، حسن بن محمد؛ ارشاد القلوب؛ چاپ اول، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۴. صدر، محمدباقر؛ بحث حول المهدي؛ با مقدمه دکتر عبدالجبار شراره؛ بیروت: الغدير، ۱۴۱۷ق.
۵. صفار، محمدبن الحسن؛ بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام؛ چاپ اول، قم: مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۶. طبرسی، احمدبن علی؛ الاحتجاج علی اهل اللجاج؛ چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۷. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۸. طوسی، محمدبن الحسن؛ الغیبه؛ چاپ اول، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۹. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۰. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ چاپ هفتم، قم: صدرا، ۱۳۹۲ش.
۱۱. موسوی اصفهانی، محمد تقی؛ مکیال المکارم فی فوائد الدعا للقائم؛ چاپ پنجم، قم: مؤسسه الامام المهدي علیه السلام، ۱۴۲۸ق.

سایت

پایگاه اطلاع رسانی دفتر و حفظ نشر آثار آیت الله سید علی حسینی خامنه‌ای دامنه‌ای.

تحلیل موانع زکات از منظر قرآن و روایات

حجت‌الاسلام والمسلمین محسن دانیاری*

مقدمه

قرآن کریم تأکید فراوانی بر حکومت الهی و اجرایی شدن دستورات خداوند بر روی زمین دارد؛ تا آنجا که خداوند اجرای فرائض الهی و در رأس آنها اقامه نماز و پرداخت زکات را از نشانه‌های حکومت صالحان دانسته است: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ»^۱ همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند». یکی از مهم‌ترین وظایف کارگزاران اسلامی، احیای زکات در جامعه است. متون مختلفی در رابطه با زکات در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی نگاشته شده است، اما پرداخت زکات در جامعه اسلامی آن‌گونه که باید، رواج ندارد. این خلأ عملی اقتضا می‌کند که به تحلیل برخی از موانع پرداخت زکات، پرداخته شود. در این نوشتار پس بررسی مهم‌ترین موانع پرداخت زکات مانند بخل، ناآگاهی از پیامدهای ترک زکات و ... در بعد فردی و نداشتن متولیان فعال و ناآگاهی جامعه درباره زکات در بعد اجتماعی، این نتیجه حاصل شده است که با رفع این موانع، می‌توان گامی نو در گسترش احیای زکات در جامعه برداشت.

مفهوم‌شناسی

لغت‌شناسان درباره معنای لغوی زکات می‌گویند: «زکات مال به معنای پاک کردن آن

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و مرکز تخصصی تفسیر.

است و جمله «زکا الزرع یزکو زکاء»؛ به معنای رشد کردن کشتزار و محصولات است.^۱ زکات از ریشه لغوی «زکو»، دلالت بر رشد و نمو و زیاد شدن دارد.^۲ زکات در اصطلاح شرعی نیز به معنی جدا کردن بخشی از گونه‌هایی از مال است که به طور خاصی در مصارف معلومی مصرف می‌شود.^۳

موانع پرداخت زکات

ابعاد زندگی انسان به دو ساحت کلان فردی و اجتماعی، قابل تقسیم است. موانع پرداخت زکات هم جنبه فردی و هم جنبه اجتماعی دارد. بی‌توجهی افراد به زکات ابتدا مانع فردی دارد؛ به این معنی که آسیب‌های درونی فرد، مانع ادای زکات است. برخی از مهم‌ترین موانع ترک زکات، در هر دو بعد مبتنی بر شواهد قرآنی و روایی در چند محور بیان می‌شود.

۱. موانع فردی زکات

بخش فردی، به جنبه‌هایی از زندگی آدمی مربوط است که به ارتباط فرد با خودش و یا خداوند باز می‌گردد. برخی از موانع فردی پرداخت زکات عبارتند از:

۱/۱. بخل

خداوند درباره نقش بخل در نپرداختن زکات می‌فرماید:

و مِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَ لَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ * فَلَمَّا آتَاهُمْ

مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَ تَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ؛^۴ برخی از آنان با خدا پیمان بسته بودند که

اگر خداوند از فضل خویش به ما عطا کند، حتماً صدقه (زکات) خواهیم داد و از

نیکوکاران خواهیم بود. پس چون خداوند از فضل خویش به آنان بخشید، بدان

بخل ورزیدند و (به پیمان خویش) پشت کردند و از آن روی‌گردان شدند.

کسی که بخل درونی خود را نادیده بگیرد و با پرداخت زکات و انفاق در راه خدا،

۱. خلیل بن احمد فراهیدی؛ کتاب العین؛ ج ۵، ص ۳۹۴.

۲. احمد بن فارس القزوینی؛ معجم مقاییس اللغة؛ ج ۳، ص ۱۶.

۳. بهاء‌الدین خرمشاهی؛ دانشنامه قرآن؛ ج ۲، ص ۱۱۴۷.

۴. توبه: ۷۵.

به تکلیف الهی اش عمل کند؛ رستگار خواهد شد: «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش بازداشته شده‌اند، رستگار‌اند». انسان مؤمن باید توجه داشته باشد که آنچه در اختیار دارد، از فضل خداوند بخشنده است. بنابراین وقتی خداوند بر او واجب کرده که بخشی از اموالش را به عنوان زکات بپردازد، شایسته نیست در برابر او نافرمانی کند. هر برکت و نعمتی در اختیار خداوند است و با عمل به تکلیف الهی، اموال برکت پیدا می‌کند و در برابر نابودی و زیان نیز بیمه می‌شود. در واقع پرداخت زکات، امتحانی الهی است که افزون بر پاداش معنوی، در رفع فقر و گرفتاری‌های جامعه نیز بسیار اثرگذار است؛^۲ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است:

إِنَّمَا وَضِعَتِ الزَّكَاةُ اخْتِبَارًا لِلْأَغْنِيَاءِ وَ مَعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمٌ فَقِيرًا مُحْتَاجًا وَ لَا سَتَّغَنَى بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ؛^۳ به درستی که زکات برای امتحان کردن ثروتمندان و برای کمک به نیازمندان واجب شده است. اگر مردم زکات اموالشان را بپردازند، هیچ مسلمان نیازمندی باقی نخواهد ماند و همه با این تدبیر بی‌نیاز می‌شوند.

۱/۲. ناآگاهی از پیامدهای ترک زکات

اسلام برای انجام رفتار و اعمال دینی، از یک سو پاداش و ثواب در نظر گرفته و از سوی دیگر، برای ترک اعمال گناه و عقاب لحاظ کرده است. چه بسیار افرادی که از اهمیت زکات مطلع هستند، اما از پیامدهای وضعی و تکلیفی آن، چیزی نمی‌دانند و گمان می‌کنند که تنها برکاتی را از دست دادند؛ نه اینکه دچار عواقب خطرناکی شده‌اند. از همین روست که ترک اعمال در نظرشان ساده و آسان جلوه می‌کند. به همین علت آیات قرآن، انسان مؤمن را از عواقب ترک زکات برحذر می‌دارند و اهل بیت علیهم السلام نیز همواره عواقب دردناک ترک این واجب الهی را متذکر شده‌اند. قرآن، یکی از عوامل جهنمی شدن انسان را ترک انفاق می‌داند:

۱. حشر: ۹.

۲. فاضل موسوی؛ زکات در اسلام؛ ص ۵۱.

۳. محمد بن علی صدوق؛ کتاب من لایحضره الفقیه؛ ج ۲، ص ۷.

و لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنَاهُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱ آن‌ها که بخل می‌ورزند و آنچه خدا از فضل خود به آنان داده، انفاق نمی‌کنند؛ گمان نکنند برای آن‌ها خیر است! بلکه برای آن‌ها شر است. به زودی در روز قیامت، آنچه را درباره آنان بخل ورزیدند، همانند طوقی به گردن آن‌ها می‌افکنند.

نکته قابل توجه در این آیه شریفه، قانون تجسم اعمال است که خدای متعال به آن تصریح کرده و با تعبیر «سَيُطَوَّقُونَ»، تجسم آخرتی پرداخت نکردن زکات اموال را به تصویر کشیده است که به صورت زنجیر و طوق به گردن انسان آویخته می‌شود؛ زیرا اگر اموال انسان از حد معینی بگذرد، با توجه به اینکه بهره‌وری از آن‌ها محدود به حدود مشخصی می‌باشد؛ گونه‌ای از اسارت، بردگی و سنگینی را برای انسان به دنبال خواهد داشت که تجسم حقیقی آن در رستاخیر، همان طوق اسارت است. امام باقر علیه السلام در این باره فرموده است:

فَقَالَ: الَّذِي يَمْنَعُ الزَّكَاةَ- يُحْوِلُ اللَّهُ مَالَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شُجَاعًا مِنْ نَارٍ لَهُ رِيْمَتَانِ فَيَطْوِقُهُ إِيَّاهُ- ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: الزَّمُّهُ كَمَا لَزِمَكَ فِي الدُّنْيَا؛^۲ شخصی که زکات مال خود را نپردازد، خداوند مال او را به طوق‌هایی از آتش مبدل می‌کند و سپس به او خطاب می‌شود همان‌طور که در دنیا حاضر نبودی به هیچ قیمتی آن‌ها را از خود جدا کنی، اکنون نیز آن‌ها را به گردن خویش بیاویز!

آن حضرت همچنین درباره معنای «سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» فرموده است: مَا مِنْ عَبْدٍ مَنَعَ زَكَاةَ مَالِهِ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُعْبَانًا مِنْ نَارٍ مُطَوَّقًا فِي عُنُقِهِ، يَنْهَشُ مِنْ لَحْمِهِ حَتَّى يَفْرَغَ مِنَ الْحِسَابِ؛^۳ هر انسانی که از پرداخت زکات خودداری نماید، خداوند در روز جزا برای او یک افعی (اژدها) از جنس آتش قرار می‌دهد که بر گردن او مانند طوقی آویخته می‌شود و همواره از گوشت بدن او تغذیه می‌کند تا آن شخص از حسابرسی آن صحنه فارغ شود.

۱. آل‌عمران: ۱۸۰.

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ ج ۳، ص ۱۹۰ و ۱۹۱.

۳. محمد بن علی صدوق؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال؛ ص ۵۲۹.

۱/۳. دنیاطلبی و زیاده‌خواهی

یکی از صفات سرکش آدمی که اگر کنترل نشود، انسان را در دنیای مادی غرق می‌کند و عواطف و احساسات و حس نوع‌دوستی را در نفس آدمی می‌میراند، دنیاطلبی و زیاده‌خواهی است. استفاده از نعمت‌های دنیایی و داشتن امکانات به خودی خود سرزنش نشده است؛ آنچه مورد نکوهش قرار گرفته است، زیاده‌خواهی و دوست داشتن و دل بستن به مال دنیا و کمک نکردن به محرومان است. خداوند در مذمت چنین افرادی می‌فرماید: «وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا»^۱ و مال و ثروت را بسیار دوست می‌دارند». در مقابل، کسانی هستند که دنیا را وسیله‌ای برای سعادت دنیا و آخرت می‌دانند و هیچ‌گاه اسیر دنیا و مطامع آن نمی‌شوند. خداوند در وصف آنان فرموده است: «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَاقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»^۲ مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند؛ آن‌ها از روزی می‌ترسند که در آن، دل‌ها و چشم‌ها زیر و رو می‌شود». امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: «خداوند بر این امت چیزی را سخت‌تر از زکات واجب نکرده است و بیشتر هلاکت امت‌ها، به خاطر نپرداختن آن است»^۳.

۱/۴. شرک و کفر

کسانی که به خداوند شرک می‌ورزند و قیامت را قبول ندارند، همواره دستورات الهی را نادیده می‌گیرند و در مسیر گمراهی خود غرق می‌شوند. خداوند در وصف مشرکان می‌فرماید: «... وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ * الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ»^۴... وای بر مشرکان! همان‌ها که زکات را نمی‌پردازند و آخرت را منکرند». در واقع عدم پرداخت زکات، یکی از ویژگی‌های مشرکان است که اعتقادی به آن ندارند. افرادی که زکات پرداخت نمی‌کنند، باید توجه داشته باشند که پیامد پرداخت نکردن

۱. فجر: ۲۰.

۲. نور: ۳۷.

۳. محسن فیض کاشانی؛ الوافی؛ ج ۱۰، ص ۳۳.

۴. فصلت: ۶ و ۷.

زکات برای آن‌ها بسیار گران خواهد بود و آن‌ها را همسان مشرکان خواهد کرد. زکات، در میان دستورات اسلام شرایط خاصی دارد و پرداختن به آن، نشانه به رسمیت شناختن حکومت اسلامی، و ترک آن نوعی طغیان و تمرد به شمار می‌آید. گواه این سخن، مطلبی است که در تاریخ اسلام درباره «اصحاب رده»^۱ آمده است. آن‌ها جمعی از طوایف بنی طی، غطفان و بنی‌اسد بودند که از دادن زکات به مأموران حکومت اسلامی سر باز زدند و به این طریق پرچم مخالفت را برافراشتند. مسلمانان با آن‌ها پیکار کردند و آنان را در هم کوبیدند.^۲ رسول‌خدا ﷺ درباره اهمیت زکات به امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است:

يَا عَلِيُّ كَفَرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَشْرَةٌ وَعَدَّ مِنْهُمْ مَانِعَ الزَّكَاةِ. يَا عَلِيُّ ثَمَانِيَةٌ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُمْ الصَّلَاةَ وَعَدَّ مِنْهُمْ مَانِعَ الزَّكَاةِ. يَا عَلِيُّ مَنْ مَنَعَ قِيرَاطًا مِنْ زَكَاةٍ مَالِهِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَلَا بِمُسْلِمٍ وَلَا كِرَامَةً. يَا عَلِيُّ تَارِكُ الزَّكَاةِ يَسْأَلُ اللَّهُ الرَّجْعَةَ إِلَى الدُّنْيَا وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ؛^۳ ای علی! ده طایفه از این امت به خداوند بزرگ کافر شده‌اند و یکی از این ده گروه، مانع‌الزکات است. ای علی! هر کس قیراطی از زکات مالش را نپردازد، نه مؤمن است و نه مسلمان و ارزشی در پیشگاه خدا ندارد. ای علی! تارک‌الزکات به هنگام مرگ تقاضای بازگشت به این دنیا (می‌کند، اما پذیرفته نمی‌شود) و این، همان است که خداوند در قرآن به آن اشاره فرموده: زمانی که مرگ یکی از آن‌ها فرا رسد، می‌گوید پروردگارا! مرا باز گردان.

۲. موانع اجتماعی زکات

انسان، موجودی اجتماعی است که در کنار هم‌نوعان خود در جامعه انسانی زندگی می‌کند و بر اثر برخوردهای اجتماعی، از دیگر اعضای جامعه اثر می‌پذیرد؛ همان‌گونه که می‌تواند بر دیگر اعضا اثر بگذارد. بر همین اساس، برخی عوامل

۱. گروهی که بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله مرتد شدند. آن‌ها می‌گفتند: نماز را می‌خوانیم، اما زکات نمی‌دهیم. ما اجازه نخواهیم داد اموال ما غصب گردد. به دنبال این ماجرا مسلمانان تصمیم گرفتند با این گروه به پیکار برخیزند و آن را دلیل بر ارتدادشان می‌دانستند.

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ ج ۲۰، ص ۲۱۷.

۳. محمد بن حسن حرعاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۹، ص ۳۴.

موجود در محیط پیرامونی آدمی می‌تواند مانع پرداخت زکات توسط وی شود. برخی از مهم‌ترین موانع عبارتند از:

۲/۱. نداشتن متولیان فعال

خداوند، نخستین وظیفه اقتصادی حاکمان صالح در جامعه را پرداخت زکات معرفی کرده است: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ؛^۱ همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند». وقتی در جامعه اسلامی به یکی از واجبات یا ارزش‌های الهی عمل نشود یا تعداد کمی به آن عمل کنند، کم آن امر واجب، ارزش مورد نظرش فراموش می‌شود و مردم از آن غافل می‌شوند. یکی از دلایل کوتاهی در پرداخت زکات، رایج نبودن فرهنگ پرداخت زکات است. بی‌شک کوتاهی متولیان امر و نهادهای فرهنگی در تبلیغ این فرهنگ، نقش مهمی در کم‌رنگ شدن آن در جامعه دارند.

۲/۲. ناآگاهی جامعه نسبت به اهمیت و موارد مصرف زکات

زکات، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اقتصادی برای از بین بردن فقر در جامعه است. این واژه به همراه مشتقاتش در قرآن، ۵۹ مرتبه در ۲۹ سوره و ۵۶ آیه به کار رفته است که ۲۷ مورد آن در کنار نماز ذکر شده است. در کتاب‌های وسایل الشیعه و مستدرک المسائل، ۱۹۸۰ حدیث در این باب آمده است که گویای اهمیت بالای این واجب الهی است. خداوند مصرف زکات را در هشت مورد تبیین کرده است:

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^۲ زکات‌ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع‌آوری) آن زحمت می‌کشند و کسانی که برای جلب محبت‌شان اقدام می‌شود، و برای (آزادی) بردگان و (ادای دین) بدهکاران و در راه (تقویت آیین) خدا و واماندگان در راه. این، یک فریضه (مهم) الهی است و خداوند دانا و حکیم است!

۱. حج: ۴۱.

۲. توبه: ۶۰.

نتیجه‌گیری

کم‌توجهی به پرداخت زکات در جامعه، به سبب وجود برخی موانع فردی و اجتماعی است. برطرف کردن این موانع، می‌تواند زکات را در جامعه احیا کند. مهم‌ترین موانع پرداخت زکات در بعد فردی عبارتند از: وجود بخل در انسان، دنیاطلبی و ناآگاهی از پیامدهای ترک زکات و مهم‌ترین موانع پرداخت زکات در بُعد اجتماعی، نداشتن متولیان فعال و ناآگاهی جامعه درباره زکات است. بنابراین برای احیای زکات، باید موانع فردی و اجتماعی در جامعه برطرف شود. برای رفع موانع فردی نیز باید مبانی نظری و اعتقادی افراد را با تبیین جایگاه زکات و تبیین آثار و برکات زکات در زندگی تقویت کرد. در رفع موانع اجتماعی نیز باید متولیان فعال و کاربرد، اجرای امور را به دست بگیرند و زکات جمع‌آوری شده را صرف امور همان منطقه کنند.

فهرست منابع

۱. بنی‌هاشمی خمینی، سید محمدحسن؛ توضیح المسائل مراجع؛ چاپ هفتم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱ش.
۲. حرعاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ تحقیق: مؤسسه آل‌بیت علیهم‌السلام قم: مؤسسه آل‌بیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.
۳. خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ دانشنامه قرآن؛ چاپ اول، تهران: ناهید، ۱۳۷۷ش.
۴. صدوق، محمد بن علی؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال؛ قم: دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق.
۵. _____؛ من لایحضره الفقیه؛ تحقیق: علی‌اکبر غفاری؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۶. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۷. فیض کاشانی، محسن؛ الوافی؛ اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، ۱۴۰۶ق.
۸. القزوینی؛ احمد بن فارس؛ معجم مقاییس اللغه؛ تحقیق: محمد عبدالسلام هارون؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ با همکاری دیگران؛ تفسیر نمونه؛ چاپ دهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۱۰. موسوی، فاضل؛ زکات در اسلام؛ قم: دفتر عقل، ۱۳۸۸ش.

